

# حقیقت

۴۴ آبان ۱۳۵۸

شماره ۴۵

## سقوط بازرگان پیامدهای آن

با لاجرم بازرگان سقوط کرد و به فرمان خمینی شورای انقلاب برای اجرای وظایف رفرا اندوم قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان با انتخابات نمایندگان مجلس شورا و انتخابات ریاست جمهوری زمان ما موردا مستقیما بدست گرفت. این امر بدنبال اشغال سفارت آمریکا از طرف دانشجویان پیرو خط امام و موج وسیع ضد امریکایی صورت پذیرفت.

چرا بازرگان سقوط کرد؟ شاید بسیاری تصور کنند که بازرگان بخاطر فشار ناشی از اشغال سفارت آمریکا و یا در نتیجه ملاقات با برژینسکی مشاور امنیتی کاترینا قدرت بزرگشیده شد. ولی بعقیده ما چنین نیست، اگر چه این مسایل استفاده از آنها میانه برای بزرگ شدن بازرگان را به نقطه تعیین کننده رسانند. خود بازرگان نیز در بنی "خدا حافظی" اش آشکارا این مسایل را به مثابه علل سقوط رد میکنند.

بقیه در صفحه ۳

## شاه جلاد باید مسترد و در این لانه جاسوسی بسته شود

## تنها مبارزه قاطع ضد امپریالیستی توطئه های امپریالیسم آمریکا را در هم می پیچد

از زرقای کینه و دشمنی سرمایه داران خونخوار آمریکا بی با انقلاب مردم ما و جنبش عظیم ملیتی است که با براندازی ختن رژیم استبدادی - فاشیستی پهلوی منافع وسیعشان را در کشور ما و در کل بقیه در صفحه ۲

آمریکا توسط دانشجویان "پیسرو خمینی" با زتابی از این خشم و نفرت همگانی است. این اقدام شروانه دولت آمریکا، که به بزرگترین جنایتکار تاریخ معا صرایران و ایمن فراری تحت تعقیب پناه داد، حاکی

پناه دادن و اشنگتن به شاه مخلوع موجی از خشم و نفرت از امپریالیسم آمریکا را در میان مردم ما برانگیخته است. تظاهرات مردم در تهران و سایر شهرها علیه امپریالیسم آمریکا و اشغال سفارت و کنسولگریهای

### در این شماره:

- ۱ - اخبار کردستان صفحه ۵
- ۲ - مصاحبه با شیخ عزالدین حسینی صفحه ۵
- ۳ - درباره سیاست ارضی محافظ حاکم کنونی صفحه ۱۶
- ۴ - درباره تحریکات حکومت بعث عراق صفحه ۱۶
- ۵ - گزارشی از محله زاغه نشینان حلبی آباد شیراز صفحه ۹
- ۶ - مدتی رسوا شده توطئه می چینه! صفحه ۱۶

## گردشگاه انقلاب با خیانت

قرارداد دندودرنامه سرکشاده ای متذکر شدند که تنها نمایندگان واقعی خلق کرد، رهبران حزب دموکرات بوده و مذاکره نیز با ایدبا این انجام شود. هیئت دولت نیز با آغوش بساز این شرط را پذیرفت و با اعلام "منطق" بودن این خواسته مذاکرات آغاز گشت. رهبران حزب دموکرات بدین بقیه در صفحه ۲

هیئت "حسن نیت" از یکسو با رهبران "حزب دموکرات کردستان" و از سوی دیگر با هیئت نمایندگان خلق کرد به ریاست آیت الله سید عزالدین حسینی مذاکرات را آغاز کرد. رهبران حزب دموکرات از همان آغاز شرط اصلی پایان یافتن جنگ را بر رسمیت شناختن موجودیت حزب دموکرات و آزادی فعالیت علنی برای این حزب

مسافرت هیئت نمایندگان دولت موقت و آغاز مذاکرات با دیگر با صراحت خاصی وجود دو خط مشی اساسا متضاد در بر خورد به مبارزات حقوق طلبانه خلق کرد و خواسته های این مبارزات آشکار ساخت و به جنبش ما درسی آموخت که از مدت ها پیش از جا نپ نیروهای حقیقتا انقلابی خاطر نشان میشد.

تنها مبارزه...

منطقه خاورمیانه در خطرناک بودی قرار داده است. این با زگوکننده ایمن حقیقت است که در رودسته های امپریالیستی حاکم بر آمریکا بزرگترین دشمنان مردم ما و انقلاب مردم ما بوده و اگر ما ملبیرالهای زبون و محافل محافظه کارا کم هم بقصد سرکوب نیروهای انقلابی مردم ما با آمریکا سازش کنند و کناریبیا بند آمریکا سراسازش نداشته ما قیبت هوای تجدید بساط دیکتاتوری فاشیستی سراپا وابسته به خود را در دوران راه با حساب و کتاب نقشه میریزد و توطئه میکند. اقدام مشروران آمریکا مشاطه گری سازشکاران لیبرال و مقامات بورژوازی حاکم را، که میکوشند سیاست امپریالیسم آمریکا را موافق با تحولات سیاسی درون جامعه ما جلوه داده خطر آنرا در کشورها و برای کشور ما بسی مقدار جلوه دهند، رسوا ساخت. دولت آمریکا با آوردن شاه جنایتکار به کشور خود آشکارا مقاصد توطئه گرانه خود را علیه انقلاب ایران فاش میسازد و بیاماری شاه ملعون بیانه بیشتر مانه ای بیش نمیباشد. امپریالیسم آمریکا به شاه و درودسته او، که امروز مرکز عملیات توطئه گرانه خود را به آمریکا انتقال داده اند، همچنان نیاز دارد و از آنها برای طرح ریزی و اجرای نقشه های خود در کشور ما استفاده میکند. شاه و خانواده اش از یکسو و بختیار خاشاک از سوی دیگر به توطئه و بسیج نیرو علیه انقلاب ایران مشغولند و در پشت هر دو امپریالیسم آمریکا قرار دارد. هدف نهایی آمریکا انجام یک کودتای نظامی وحشیانه در کشور ما طی یک دوره فعالیت مقدمه ای توطئه گرانه در خارج و داخل کشور میباشد، زیرا سرنگونی سلطنت پهلوی، مجازات مشتت از جنا پیتکاران و عمال رژیم سابق و ضربات قیام مسلحانه مردم به دستگاه هدیوانسالاری و بویژه ارتش دست نشانده آمریکا در کشور ما بیش از همه به زیان آمریکا تمام میشود. به های قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا را در ایران به نا استوار کفاند. امپریالیسم آمریکا از چو انقلابی و حال و هوای فدا امپریالیستی

موجود در جامعه ما بیمناک است و با ادامه این جو و حال و هوا منافس اقتصاد، سیرت سیاسی و موقعیت سوق الجیشی خود را، که بطور عمده در منابع سرشار نفت خاورمیانه و شاهراه حیاتی و حواس خلیج فارس و دریای عمان تمرکز یافته، در کل منطقه در مخاطره می بیند. هر چند مقامات سازشکار دولت و "شورای انقلاب" به معاشات با آمریکا ادامه داده، قرار دادهای نظامی و اقتصادی شاه مخلوع با آمریکا افشاء و لغونکرده، نسبت به منافع امپریالیستی آمریکا در خلیج فارس و در مرکز کشور ما روش معاشات را پیش گرفته و طالب دوستی با آمریکا بوده اند، لیکن امپریالیست های آمریکا بی تنها از این مدار جوشی و معاشات گری برای حفظ و تقویت عمال خود در دولت و ارتش، تجدید بنیانی کامل ارتش بدست سربازان خود زمینه چینی و تدارک یک کودتای امپریالیستی وحشیانه بهره جویی کرده و میکنند. مادامکه آمریکا و سرما به داران آمریکا سیسی و سوق الجیشی خود در کشور ما تضمین نداشته باشند، یعنی یک حکومت دست نشانده نوع پهلوی را بروی کار نیارند و بدو به ثبات ارتجاعی خوشبینی بر اساس سرکوب جنبشها دموکراتیک مردم ما نرسند، دست از توطئه گری بر نخواهند داشت و معاشات جویی لیبرالها و اقدامات فساد آزا دی و دستگرا نه دستگاه کم همه جا ده ما فکن یک کودتای امپریالیستی بدست آمریکا و عمالش خواهد بود.

کردستان  
ترتیب نشان دادند که مبارزات و خود استه های اساسی خلق کرد در برابرشان هیچ نیست مگر ابزارهای برای رسیدن به قدرت. آنها نشان دادند که حاضرند خلق کرد را وجه المصلحت خود و دولت مرکزی نمایند. بمحض شروع مذاکرات رهبران حزب دموکرات به همه پیش مرگه های این حزب و شاخه های آن در شهرهای کردستان دستور دادند که از حمله به پاسداران و ارتش خودداری کرده و بیک کلام مبارزه را متوقف سازند. تشکیلات مبارز با این حزب در اعلامیه ای به تاریخ ۵۸/۸/۹ در ارتباط با راهپیمایی عظیم خلق کرد در عید قربان که به دعوت عزالدین حسینی صورت گرفت نوشت: "در چنین شرایطی، بخاطر دلایلی که جای ذکر آنها در این بیانیه نیست، حزب ما از شرکت در راهپیمایی خودداری میکند. ما در چنین لحظاتی که افقهای تازه ای برای گشودن مشکلات خلقمان از راه مذاکره و رسیدن به تفاهم هویدا شده است و بخاطر حفظ منافع و مصالح خلقمان در انجام مظاهرات وادادن شعارهای تحریک آمیز نمیشیم. هم میمانیم گرامی را به آرامش و صبر و انقلابی و پشتپناهی از سیاست انقلابی حزب دموکرات کردستان دعوت میکنیم." (بیانیه حزب دموکرات کردستان، ۵۸/۸/۹). بیک کلام رهبران حزب، مبارزات قهرمانان کوران کوچک و خرده با یا خرده بورژوازی را علیه طبقه کارگر و جنبشهای ضد فئودالی دهقانان فقیری و زمین تا زانندند تا جو انقلابی در جامعه را خنثی کرده و مراحم امپریالیسم و ارتجاع بیمزده، منطقه را متوجه خود سازند و قدرت را بفتح امیال طبقاتی خود تثبیت کنند. این حرکت بیشتر موجب قیامت بدست عوام رژیم سابق، ملاکان، محتکران بازاری و ملایان مرتجع و قشری مسلک داده که با بهره گیری از تعصبات و تنگ نظریهای خرده بورژوازی و از بساط قدرت خود را در تقیاط مختلف کشور پهن کنند و زیر عنوان دین و شریعت فتنه و آشوب بپا گردانند. این فتنه گریها در ترکمن صحرا و خرمشهر و هوا زبالا گرفت و سرا نجامه لشکرکشی به کردستان و قتل و غارت در شهرهای آن سامان به اوج خود رسید. امپریالیسم آمریکا، که با یگا های اجتماعی و همدستانش در کشور ما را بورژوازی بزرگ و ارتجاعی دلال صفت، که مدت است دچار کساد و ناامنی شده، ملاکان و خانهای

بقیه در صفحه ۲

تا به خلق کرد را "شعارهای تحریک آمیز" نامیده و از آنها "صبرا انقلابی" طلب میسازد و از گوشه شدن "افقهای تازه ای" دم میزند. کار این سرد عشق با ختن با دولت مرکزی و خیانت به خلق کرد بدینجا رسیده که فرماندهان حزب دموکرات پاسداران را در کنگر حمایت خود گرفته اند: "عصر دیروز پاسداران و جوانان نوسودا یمن شهر را ترک گفته و به پایا و رفتند. یک گروه از سوی حزب دموکرات ما موران را تا پایا و اسکورت کردند، تا در بین راه برای آنها نفاق ریخ ندهند. صبح امروز تا بلوی حزب دموکرات در نوسودا لا رفت و در محل این حزب، مردم و قوای انتظامی در جلسات سخن رانی اعضای حزب شرکت کردند. هم چنین اطلاعیه ای از حزب دموکرات انتشار یافت و طی آن از کلیه کارمندان دولت و کارکنان آموزش پرورش و دانش آموزان خواسته شد تا رعای خود را از سرگیرند." (اطلاعات ۱۴ آبان ۱۳۵۸ - تاکیدات از ما ست). اما از سوی دیگر، نما یمندگان و واقعی خلق کرد شیوه ای کاملاً متضاد با روش سازشکاران رهبران حزب دموکرات در پیش گرفته و نشان دادند که حاضر نیستند با آرمانهای به خلق کرده پای میز معامه بنشینند، بیانیته از زمیندایت اله سید عزالدین حسینی نمونه بارزی از این برخورد انقلابی و اصولی است. در این بیانیه که در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۲۹ منتشر شده است (متن کامل اعلامیه در همین شماره "حقیقت" موجود میباشد) پس از ذکر کوششهای فراوانی که برای جلوگیری از جنگ و خونریزی در کردستان صورت پذیرفته است میخوانیم: "با ید به خواسته های اساسی خلق کرد که خود مختاری کامل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در چوب ایرانی آزاد و مستقل است پاسخ مثبت داد. با ید با بنندگان واقعی خلق کرد به گفتگو نشست و از تحریک و تقویت عناصر مرتجع و مزدور محلی که تا کنون بر علیه منافع خلق خویش با دستگاه هیئت حاکمه همکاری کرده اند و مانع از تفاهم ملت و دولت گشته اند و آتش بیار معرکه بوده اند جدا خودداری نمود. با ید امنیت داخلی را به نیت و های انقلابی خلق کرد سپرد و ارتش را با مناعت از مذاخله در مناقشات و مسائل داخلی بدفاع از مرزها گماشت. با ید راه مورد اخلی کردستان را به مجلس شورای کردستان و حکومت خود مختار کردستان واگذار کرد و عقب ماندگیهای اقتصادی و فرهنگی در صفحه ۲

# حقیقت

کردستان ...

هنگی و اجتماعی ناشی ازستم ملی را با برنا مهریزی دقیق و درست جبران نمود. لیکن از آنجا که سرنوشت خلق های ایران بیکدیگر پیوسته است، هیچیک از این آزادیها و آزووها به تحقق نخواهد پیوست مگر با استقرار دموکراسی و حاکمیت ملی در کشور ایران. استقرار دموکراسی و حاکمیت ملی را با بدقانون اناسی تامین و تأیید کند و قانون اساسی را مجلس موسسانی که بشیوه دموکراتیک و با رای آزاد تمامی مردم ایران انتخاب شده باشد میتوانند تهیه و تصویب نماید. و برای دستیابی به این اهداف و برای زیستن در محیط آزاد ملخ و دوستی و برادری با مردم مبارزه کرد و با دید در شهرستان و کوهستان بخاطر تحمیل شرایط مناسب ملخ بسود خلق مبارزه را تشدید کرد. عزالدین حسینی در ماحیای با "دسته پیش مرگه های زحمتکشان" (۵۸/۷/۲۳) که متن آن در همین شماره "حقیقت" منعکس شده است، پس از پافشاری به روی قطعنامه، ماده ای خلق کردند سندیج و مهاباد را اعلام میدارد که "خلق کردخواسته است از طریق گفتگو این مسئله را حل کند و هنوز این خواسته را در ادو حاضریه تنزل از آن نیست، ضمنا خلق کرد فقط برای خود این خواسته ها را ندارد، بلکه خواهان حق تعیین سرنوشت برای همه خلقهای ایران است زیرا ما خود را بخشی از ایران و خلقهای ایران میدانیم، و خلق کرد میخواهد که آزادی های دموکراتیک که در نتیجه مبارزات خود هم دوش خلقهای ایران کسب کرده است دژ سراسر ایران تامین شود.

بدین ترتیب، عزالدین حسینی که زبان گویای خواسته های به حق دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق کرد است، نه تنها بر کسب حقوق ملی و دموکراتیک خلق کرد پافشاری می نماید بلکه این مبارزه را به درستی با مبارزات و حقوق پامال شده همه خلقهای ایران پیوند داده و در ارتباط با آن طرح میکند و برای کسب این حقوق برادار همه مبارزه پافشاری می نماید. برای رهبران حزب دموکرات که خاکن به آرمان های همه خلقهای ایران می باشند، جنگ و

ملح در گرو بر سمیت شناخته شدن خودشان و گرفتن امتیازاتی برای خودشان میباشند و برای واقعی خلق کرد، این جنگ و ملخ در گرو احقاق حقوق پامال شده خلق کرد و همه خلقهای ایران میباشند.

رهبران حزب دموکرات در جریان مذاکره با هیئت دولت چهره خیا ننگار خویش را با ردیگر بر ملا کرده و نشان میدهند که مدافع خواسته های اساسی و به حق خلق کرد و خلقهای ایران نیستند. ما ضمن اعلام پشتیبانی از هیئت نمایندگان خلق کرد به ریاست سید عزالدین حسینی و خواسته های به حق آنها ضروری میدانیم توجه همه نیروهای انقلابی و مبارز سرتا سر کشور را به آنچه در کردستان میگذرد جلب نموده و حمایت همه جانبه از خواسته های مطرحه توسط هیئت نمایندگان خلق کرد را در سرتاسر ایران جلب می کنیم. خلق کرد نشان داده است که نیتها برای خود و حقوق پامال شده اش، بلکه برای آزادی و استقلال همه خلقهای ایران خون داده است و شهیدان بیشمارش در راه ادامه انقلاب تا تمام دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران جان داده اند. جنبش انقلابی خلق کرد بخشی از جنبش عمومی همه خلقهای ایران است و در متن انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران صورت میگیرد. پورش با سادارانش و ارتش به کردستان و کشتار خلق دلاور کرد نیز بخشی از پورش هیئت حاکمه بر علیه انقلاب و همه خلقهای ایران است و از اینرو مذاکره و ملخ در کردستان نمی تواند منجر به ارتباط با پیشرفت انقلاب در سرتا سر ایران و خواسته های اساسی همه خلقهای ایران، صورت پذیرد. ارتش و پاسداران در کردستان شکست خورده اند. خمینی بی بنداشت که در عرض ۲۴ ساعت "عاند کردستان" را "خاموش" خواهد کرد و بدین منظور همرا با سلب همه آزادی های دموکراتیک به کردستان حمله ور شد. اگر خمینی در کردستان پیروز میشد، فردا نیروهای ضربت در همه جای ایران فاجعه می آفریدند. در چنین شرایطی بود که خلق دلاور کرد با راسالت بزرگی مواجهد. دفاع از دستاوردهای انقلاب، شهرها و دهات پامال را شدند و خلق کرد وحشیانه کشتار شد، اما تسلیم نشد. مبارزه ادامه پیدا کرد و خلق کرد قدرت زوال ناپذیر خود را به ما جبین نشان داد. ورق برگشت و پاسداران و جوانان فریب خورده ای که برای "جهاد" می رفتند خود را در برابر یک خلق دیدند

و در همه جا با مقاومت قهرمانان انقلابیون کرد مواجهدند. مقاومت جانانه خلق کرد بتدریج حمایت و پشتیبانی بخش های جدیدی از جامعه را برانگیخت و تقاضاهای دورنی هیئت حاکمه را نیز تشدید بخشید و لیبرالها نیز به میدان آمدند. وزنبه "راه حل سیاسی" از "راه حل نظامی" سنگین تر شد و هیئتی از جانب دولت برای مذاکره های کردستان شد. لحظات تعیین کننده فرا میرسیدند. شرافت و آرمان های بزرگ یک خلق و همه خلقهای ایران به بوته آزمایش گذاشته شد. همه چشمها متوجه کردستان و میزهای مذاکره گشت. چه باید کرد؟ این جنگ ناخواسته و تحمیلی را چگونه پایان بیاورد؟ آنها شبکه دیرتراز همه پا به عرصه این مبارزه گذاشتند، میخواهند زودتر نیز از آن خارج شوند. تبلیغات هیئت حاکمه برای فشار گذاشتن بروی نیروهای انقلابی افزوده میشود در کنار آن تظلم خواهی برآمده می افتد. را دیوئی که تا پریروز مقاومت خلق کرد را "توطئه لیبزبان" میخواند و دیروز به آن لقب "توطئه حزب دموکرات" داده بود، امروز "عناصر چپ نما و فرص طلب" را میکوبد، ارتش چهره مظلوم را به خود میگیرد و افراد دگرا و دغا ویدان بجای فرزند ابراهیم در عید قربان گذاشته میشوند در اینجا دو خط مشی اساسا متفا ددر. با ره چگونگی پیشبرد مبارزه در کردستان آشکارا میشود. رهبران حزب دموکرات میخواهند به هر قیمت، فقط بشرط آنکه کردستان ایران را به آنها واریا با نشان بسیار تند، ملخ نما بدو بدین خاطر میز مذاکره آنها گرم و طرفین خوشحالند، اما نیروهای انقلابی و نمایندگان خلق کرد، حاضر نیستند دستاوردهای انقلاب را فدا سازند و میخواهند انقلاب ادامه یابد. آری، جنگ یا ملخ به ادامه انقلاب در سرتا سر ایران متصل است و باید به آن خدمت کند، زیرا نه تنها خلق کرد، بلکه هیچیک از خلقهای ایران قادر نخواهند بود در شرایط سلطه یک رژیم مشروعه چی هیچیک از خواسته های اساسی خویش را بدست آورند. بدین ترتیب هیئت نمایندگان خلق کرد به ریاست آیت الله سید عزالدین حسینی با تکیه بر این واقعیات شرایط اصولی ملخ را به پیش نهادند و برای تحمیل شرایط مناسب ملخ مبارزه را بشدید کرده اند. وظیفه همه نیروهای انقلابی و مبارز در سرتا سر ایران است که به سهم خود خلق دلاور کرد را در این روزهای حساس یاری دهند و از

سقوط ...

بازرگان بمشابه یک بورژوازی لیبرال دوآتشه زهمان زمانی که از ظرف خمینی به نخست وزیر منتصب گردید، مراحتا برنا همه نیم بند و لیبرالی خویش را به پیش گذارد، برنا همه سیاستی که امروزه به سیاست "گام به گام" معروف گردیده است و تمامی هم و غم خود را در راه پیاپی کردن این برنا همه گذارد. از همان روز اول که مسئله انتقال مسالمت آمیز قدرت را به میان کشید تا مخالفت با اقدام و مجازات جنایتکاران آریا مهری و به اصطلاح جلوگیری از انتقال مجوسی، تا زمان نندن بورژوازی و خرده بورژوازی بر علیه طبقه کارگر و دستاوردهای انقلاب، تا مداخلات و سازش با امپریالیسم و هر چه بیشتر محدود ساختن و اختتام ختن انقلاب ... بازرگان آشکارا اعلام کرد که انقلابی نیست و بقول خودش میخواهد انقلاب را که دوران "تخریب" است به پایان رسانده و به دوران "سازندگی" و تأمین "نظم و آرامش" بپردازد. این سیاست و برنا همه سازشکارانه و لیبرالی تمام آن چیزی بود که بازرگان عرضه میکرد و انتظار می رفت که هم بیشتر از این بورژوازی لیبرال نبود. بقول خود آقای بازرگان "زیبا ترین زن جهان بیش از آنچه در دست می توانست عرضه کند." آری آقای بازرگان با آن پایه طبقاتی و آن سیستم تفکر بیشتر از آنچه که تا کنون عرضه کرد نمیتوانست عرضه کند. البته این تحفه نه تنها از "زیبایی" برخوردار نبود بلکه بسیار زشت هم تشریف داشتند ولی از همان ابتدا روشن بود که سیاست آقای بازرگان بسا اقبال و خواسته های مردم که خواستار یک تغییر بنیادین در جامعه بودند در تعارض و تقاضا دغا دغا خواهد گرفت. مردمی که پس از فراز محمد رضا شاه فریاد بر می آوردند "پس از شاه، نوبت آمریکا است." در طی ۲۶۸ روز مدارت آقای بازرگان دریا فتند که حکام حاکم شده نه تنها تمایلی به مبارزه جدی و صولی با آمریکا ندارند، نه تنها در پی لغو و افشای قرارداد ده هزارگانه و همه جانبه رژیم منحل شده پهلوی با امپریالیستها نیستند، بلکه هر روز به بیشتر در پی تجدید قرار دها هستند و با زهمشاه دبا زگشت مستشاران و خریدار سلاح های آمریکا شئی بودند و بسیاری دیگر از خواسته بقیه در صفحه ۴

همه سو برای برآورد این خواسته ها مبارزه شما پند.

# حقیقت

تنها مبارزه...

مرجع و گروههای دیوانسالارونظامی گارتشی تشکیل میدهد، مشوق اصلی این همه فتنه‌گری هاست و از این شرایط برای تجدید قوای عوامل و همدمان خود در ارتش و وزارتخانه‌ها و مقامات محلی استفاده میکند و وسائل کار را برای انجام کودتاها می‌آورد و امیرالایستنی طی ماهها و گرتنه، سالیهای آینده آماده میگرداند.

نگرانی دیگر امیرالایستنی آمریکا از اوضاعی که در کشور ما پدید آمده از جانب سطره جویان شوروی است، که با هواداری مودیانه از جنبش فدا میریالیستنی مردم ایران که بطور عمده متوجه آمریکا است، در سودای ایجاد توازن قوایی بفتح خود در منطقه میباشند. دولت روس با تمسهای مخفی با مقامات حاکمه و نیز پیشنهاهای تطفیح کننده اش و نیز به کمک عمال خود میکوشد تا جنبش ملی مردم را به میدان رقابت های امیرالایستنی میان خود و آمریکا بکشد و در این چارچوب اسیر خود گرداند. سیاستمداران مسکو و نوکرانشان در کشور ما نند حزب تسوده و حزب دموکرات میکوشند از هرفتنه ای که بدست مقامات حاکمه و تحریک آمریکا (وگا هم به تحریک خودشان) برپا میشود محلی را برای رخنه و نفوذ خود فراهم گردانند و چاهای محکمی برای حرکتیهای آسارتگرا نه خود برای نفوذ در دولت و مقامات حاکم محلی و ارتش پدید آورند. بعلاوه امیرالایستنی روس نیز مانند امیرالایستنی آمریکا از تاشیرا انقلاب ایران، که علیرغم امیال پلیدش در چارچوب رقابتیهای امیرالایستنی ابرقدرتها محصور نشده، بروی ملت‌هایی که در اسارت عمال و همدمان شوروی در منطقه (مانند افغانستان و عراق) هستند بیدار و با تمام قوا و حتی بسا گروکشی میکوشد تا جنب و جوش انقلابی را در مرزهای کشور ما محصور کند. به عبارت دیگر جنبش آزادیخواهی و ضد امیرالایستنی در ایران از هردوسو، از سوی آمریکا و رژیمهای دست‌نشانده آن و از سوی شوروی و رژیمهای دست‌نشانده آن، در یک محاصره بغایت ارتجاعی و خصمانه قرار گرفته است. ابرقدرت‌ها یعنی آمریکا و شوروی هر

دودویی فتنه و آشوب فدا انقلابی در کشور ما دستبردن در صف بندی مردم به سود خود هستند، و حتی در صورت ایجا دیبترین توازن ممکن بفتح طرفین در شرایط معین پای کودتاها می‌مشترک امیرالایستنی و سرکوب مشترک مردم ما هم خواهند رفت. بعلاوه آمریکا و روس هر دو در پی تبدیل ایران به لبنان ثانی و در این میان سرکوب نیروهای انقلابی واقعی نیز میباشند و این توازن تنها هشپاری مردم و آگاهی بیرونی است که با متحد گردانیدن صف خلق و منفرد گردانیدن دشمنان واقعی میتوانند حساس بگریبهای قدرت‌های بزرگ را و از گون ساختند ایران را نه به لبنان بلکه به ویتنام ثانی تبدیل گرداند.

از این مردم ایران در میان روزه‌ها دلانهاشان برای برکنندن ریشه فساد آمریکا از ایران با ید هوشیاری خود را در برابر سوس محیلاننه هر دو ابرقدرت در کشور ما، که سعی در آشوب انداختن به جا مع و بهر چه جویی از سوا زشکاری بورژوازی و تعصبات احمقا نه و ارتجاعی خرده بورژوازی هستند، با لابرنده سوا زشکاران و محافل قدرت طلب راست را که به اقدامات ابرقدرت‌ها و علی‌الخصوص آمریکا با می‌دهند از مقامات حاکم کشور حذف کنند. مردم ما ید برای برکنندن ریشه نواستعمار آمریکا در اقتصاد، ارتش و دستگاههای دولتی، برای افشاء و لغو تمامی قراردادهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی رژیم سابق با امیرالایستنی بنا بر یک یگایی مبارزه کنند و این مبارزه را همه ملی شوند و کلیه کارشناسان و جاسوسان آمریکا از کشور خارج گردند. با ید در سفارت آمریکا، این لانه جاسوسی و توطئه چینی، بسته بهمانندوا ز همه سوا فشا ر آورده شود تا شاه جنایتکار بدمت‌دار مجازات ملت ما سپرده شود. مردم ما نیازی به مناسبات حسنه و به اصطلاح "حسن ظن" آمریکا جنایتکار روسا ابرقدرت‌های ضد بشری، که هستی ما را به یغما برده و به کشتار و غارت خلقهای کشورهای مختلف می‌پردازند، ندارند. مردم ایران دشمن سرسخت ابرقدرت‌های بین‌المللی و شیاطین دست‌نشانده آنها هستند. همراه با گسترش نبرد ضد امیرالایستنی خود ید با قاطعانه از نبردهای عادلانه خلقهای خلیج فارس، پاکستان، عراق، ترکیه و افغانستان اسیر برای دموکراسی و رهاشی سر

زمین‌هایشان از طوق بندگی ابرقدرت‌ها دفاع کنند. کارگران نفت با ید از حربه نفت، یعنی با قطع صدور نفت به آمریکا، دولت آمریکا را زیر فشار گذازند و با ید با ید بر توطئه‌گری‌های آمریکا و عمالش در خلیج فارس مقابل به مثل کنند. نفتکاران قهرمان ما با ید با ید با ید بر چرم مبارزه مردم ما را برای رهاشی از طوق بندگی و توطئه‌های شیطان آمریکا بلند کنند و بعلاوه سر مشقی برای برادران فتنگ کشورهای همسایه گردند.

محافل سازشکار حاکم، مشر و عطلبها ن هرج و مرج طلب و خریس قدرت و قلدر منشا ارتشی مانند منب نی جلا و حوسین شاکروا یا دیشان مانع از قطع نفوذ کامل امیرالایستنی در کشور ما و تا مین وحدت فدا میریالیستنی مردم ایران بوده و با مماشات‌گری و یا سرکوب آزادی در کشور تنها راه را برای اجرای نقشه‌های شوم آمریکا و عمالش و انجام کودتاها می‌فایشستی بازمیکدازند. از این مردم ما ید برای تشکیل یک دولت دموکراتیک و فدا میریالیستنی واقعی که تجلی فشرده وحدت فدا میریالیستنی کلیه طبقات و اقشار انقلابی ما مع و متکی به نیروی متحدکاران و دهقانان غارت شده ما باشد، مبارزه کنند. ریشه آمریکا و سایر فرارنگران بین‌المللی و عمالش در کشور ما بدست اینان که کشور را میچرخانند و به بقیه جز خودشان، یعنی به اکثریت عظیم اهالی کشور که با رقیام علیه شاه مخلوع را به دوش کشیدند، سرکوفت میزنند هرگز کشنده نتوانند گشت و بلکه با این وضع تنها خطر آن خواهد بود که در مبارزه ملت ایران برای تامین استقلال اقتصادی و سیاسی کامل سستی پدید آید، وحدت فدا میریالیستنی خلق به مخاطرات عظیم تشری دچا شود و سوا نجا مبه جای آن وحدت ضد خلق و دشمنان آزادی ایران تقویت و تحکیم گردد.

اکنون پس از بالا رفتن مبارزه مردم علیه امیرالایستنی آمریکا و تصرف سفارت آمریکا توسط دانشجویان و پشتیبانی قاطع مردم از قطع رابطه و لغای قراردادها با آمریکا، دولت موقت برای حفظ آبرو فوراً قلم و کاغذ بدست گرفته یکی از قراردادهای نظامی رژیم مخلوع با آن کشور را همراه با دوبند ز قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی ملغی اعلام کرد.

سقوط بازرگان...

هایشان را انجام مینیا فتنه دیدند. بنا بر این زمره‌های مخالفان از پائین آغاز شد. آقای بازرگان هم در منطق خدا حافظی شان به این امر اشاره می‌کنند: "داشما بمان طعنه میزدند و تی میزدند که چرا این خواسته‌ها انجام نشده و شایعیت عمده تا رضایی مردم هم همین باشد." این مبارزه از پائین بخصوص دریکما هه گذشته بالا گرفت. مبارزه دانشجویان در اشغال هتلهای مبارزه دانشجویان که به خیا با آنها سرریز کرد، موج جدیدی از مبارزه طبقه کارگر و روستاییان گرفتند. مبارزه کارگر توسط کارگران بیگارش و وسیع بقدرت رسیدگان نوین را درهم شکست، انفجار انزلی و... نمونه‌های این بالا گیری مبارزه شده‌ای و فشا از پائین بود. با اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجو جوانان بیروخط امام، بدون در نظر گرفتن اشاراتی که از بالا در این رابطه صورت گرفت، موج احساسات فدا میریالیستنی را در میان توده مردم برانگیخت و در همین هنگام مماشات‌های دولت در باره سفر شاه و حتی موازین قبلی و ضمنی با آن (با حداقل نا دیده گرفتن آن) و ملاقات با برزیلینکی، افشای هر چه بیشتر فساد در دستگاه دولتی و... تعارض و تضاد بین خواسته‌های مردم و سیاست دولت بازرگان را به آشکارترین شکل خود بروز داد. دولت بازرگان دیگر از حیثیتی بین توده برخوردار نبود، سقوط آن اجتناب نپذیر بود.

ولی ناراضی عمومی از دولت بازرگان تنها دلیل سقوط آن نبود. زهان ابتدا روشن بود که بقدرت رسیده اند در درون خود تضادهای بی شماری را حمل میکنند و جناح‌های مختلف هر یک در صدد آنست که موقعیت بیشتری را در قدرت حاکمه بدست آورده و بالاخره خود را به طور کامل تثبیت کند. همان چیزیکه بطور عامیانه به تعدد مراکز قدرت معروف است. این مبارزه درونی به صورت مختلف خود را در طی ۱۵ ماه گذشته بروز داد. دعوی بر سر دادگاههای انقلاب یا دادگستری، دعوی بر سر سپاه پاسداران، دعوی بر سر کنترل نفت و کتار گشتن تریه، دعوی بر سر "ولایت فقیه"، و دعویهای آتی بر سر ریاست جمهوری و... که گاهی به نفع این جناح و گاهی به نفع آن جناح تمام می‌گشت. ولی تقریباً از یکماه پیش مبارزه‌ای حادث

# سخنرانی نماینده رسته پیشمرگان زحمتگشان در مهاباد

سلام و درود به بهر روان پاک شهیدان قهرمان کردستان  
سلام و درود بر شما پیشمرگان قهرمان که مسلحانه برای فدا کردن  
جان پرافتخار خود را در راه هدست آوردن حقوق حقه خود آماده اند  
سلام و درود بر عزالدین حسینی تنها رهبر مذهبی و ملی کردستان  
سلام و درود بر طبقه کارگر طبقه تا به آخر انقلابی  
سلام و درود بر طبقه دهقان طبقه هم پیمان کارگر

خواهر و برادران

ما تشکیلات پیشمرگه زحمتگشان به شما ما دران و بیدران شرافتمند  
که فرزندان قهرمانان شهید شده و در راه شرف و آزادی و مقاومت خلیق  
استنما شده کرد کوچ قربانی شده اند، تبریک می گوئیم.

خلق کرده از ان فرزند تسلیم نا پذیر خود را فدای راه رهایی کرده  
و امروز آشکارا و روشن می بینیم که چه زیبا و پرافتخار رنگ خون این شهید  
ان در شرف آزادی میدرخشند. بیایید با هم پیمان ببندیم و نگذاریم ابر  
سیاه مرتجعین، فاشیستها و استعمارگران این شرف زیبای آزادی را دو-  
بار تیره نمایند.

دولت خمینی - با زرگان که دستور جها دبه علیه خلق کرد، با یورش  
ارتش و پاسا رومجا هدم مزدوران و جاشهای کاسه لیس به خلق حق طلب و  
ستم دیده کرد، به قتل و عا مدرنانه خود را دران و برادران ما در همه شهر-  
ها و با اعداد فاشیستی دهها فرزند تسلیم نا پذیر را رها نمی کرد، با بمب-  
ران و توپ با ران دهات و شهرهای کردستان، آشکارا برای هراسان ب-  
شرف مشخص کرده که، این دولت نه طرفدار زحمتگشان و نه آزادیخواه و نه  
انقلابی است، بلکه برعکس دولتی است ضد زحمتگش و آزادی و ضد انقلابی  
است. و درست به همین علت است که معتقدیم که همه دم دستگاها و ارگا-  
نهای این دولت نیز ضد انقلابی و وابسته به امپریالیسم بویژه امپریالیسم  
آمریکاست. پس:

مجاهدان رتشی و پاسا ران  
خواهران و برادران با شرف و قهرمان

صوف متجدد خلق ما، غرش سلاحهای پیشمرگانمان، فریادرسای  
دهاتی و شهرییمان کردستان را به پرچم داران انقلاب دموکراتیک و استقلال  
طلبانه ایران تبدیل کرده و تنها جمهرندانه دشمن خونخوار را درهم شکسته  
و دم و دستگاها پاسا روژاندا رما رتن آمریکا بی را از هم پراکند.

اینک دشمن می کوشد از در جنگ و کشتار و جتار و درود و آزاره حیل  
و توطئه و فریب به میانمان برگردد، تا فرییمان زهدتا پرچم انقلاب را از  
دستمان به زمین کشد، پرچی که خلق کرد با افتخار بردوش حمل میکنند و  
همه خلقهای ایران نیز بیدان چشم دوخته و امید بسته اند. دشمن میخواهد  
از این در، در میانمان نفوذ کند تا در زمان مناسب دوباره به ما حمله برود  
به خیال خام خود ما را درهم بشکند و بیشتما را خام کند. اما دشمن باید بداند  
که زحمتگشان ما دیگر آگاه شده اند و گول توطئه های وی را نخورده و تا کسب  
حقوق برحقمان یعنی دموکراسی واقعی درایران که زحمتگشان قدرت  
سیاسی را در دست داشته باشند، اسلحه را به زمین نخواهند گذاشت و میکو-  
شیم به ایده الهای بزرگ و وفایق و فوادور شدو... خیا نت نکنیم.

خواهران و برادران عزیز

به خاطر کسب پیروزی به مناسبیت یا دیود خون سرخ شهیدانمان و  
کسب اهداف مقدسمان تنها و تنها با یدیکوشیم بر اساس تکیه بر نیروی خود  
و جشمداشت کمک دشمن بیگانه نبودن هر چه محکمتر اتحادمان را مستحکم  
نمائیم و اسلحه بر زمین نگذاریم، تنها یدر این شرایط عالی کنونی به  
دشمن خونخوار و روسپاهان زاهدیم فریبمان

بقیه در صفحه ۶

## مصاحبه با شیخ عزالدین حسینی

متن مصاحبه "دسته پیشمرگه های زحمتگشان" با حضرت آیت الله شیخ عز-  
الدین حسینی در تاریخ ۵۸/۲/۲۳  
س - حمله رژیم خمینی به کردستان را چگونه ارزیابی میکنید؟  
هدف حمله چه بود؟

ج - به عقیده من دولت نمی خواهد به خواسته های خلق کرد  
پاسخ بدهد، از طرفی در کردستان آزادی وجود داشت و مزدم آزادانه فعالیت  
سیاسی داشتند و این آزادی در هیچ جای ایران وجود نداشت رژیم میترسید  
که کردستان به کانون آزادیخواهی تبدیل شود. به این دلیل بود که حمله  
صورت گرفت. به آیت الله خمینی در مورد کردستان اطلاعات نا درستی داده  
بودند و خیال میکرد که سراسر کردستان کفر و الحاد است و عده ای کمدر  
کردستان آشوب بپا کرده اند و نمیخواهند مردم از حکومت مرکزی پیروی  
بکنند. دولت خیال میکرد در عرض ۳-۴ روز میتوانند مردم را قلع و قمع و  
جنش را متلاشی کند. بعقیده من برآورد دستگا رهبری غلط بود، حساب  
معلوم شده که مبارزه ما مبارزه دسته و گروه خاصی نیست و هیچ شخص بخصوصی  
نیست که نقش اساسی داشته باشد بلکه مبارزه، مبارزه خلق کرد است که در  
آن پیرو جوان و وزن و مرد در آن شرکت دارد و حکومت نمیداند چگونه بسا آن  
مقابله کند.

س - خواسته های فعلی خلق کرد چیست؟

ج - خواسته های خلق کرد با خواسته های که چند ماه پیش مطرح می-  
کردا سا ستاوتی نکرده است و البته که خواسته های دیگری هم به آن اضافه  
شده است. این خواسته ها را با دولت مطرح شده مثلا در قطعنا ماه ۸ مساده ای  
در مهاباد دوسیس در سندیج که از طرف احزاب و گروه های سیاسی به دولت  
پیشنهاد شده است، قطعنا ماه ۸ ماده ای در تمام تظاهرات و میتینگها و  
راهیما شیهای کردستان مورد پشتیبانی قاطبه ملت کرد قرار گرفته است.  
خلق کرد خواسته است از طریق گفتگو این مساله را حل کند و هنوز این خوانسته  
ها را در دو حاضر به تنزل از آن نیست، ضمنا خلق کرد فقط برای خود این  
خواسته ها را ندارد بلکه خواهان حق تعیین سرنوشت برای همه خلقهای  
ایران است زیرا ما خود را بخشی از ایران و خلقهای ایران میدانیم،  
خواسته های جدید در ارتباط با سلب کامل آزادیهای دمکراسیک و میلیتاری-  
ریزه کردن اوضاع کردستان است خلق کرد میخواهد که آزادیهای دمکراسیکی  
که در نتیجه مبارزات خود همدوش خلقهای ایران کسب کرده است در سراسر  
ایران تا مین شود و به شرایط تهاجم و حملات نظامی پایان داده شود.

س - جنبش مقاومت خلق کرد چگونه است؟ نتیجه حمله دولت به  
کردستان تا کنون چه بوده است؟

ج - به عقیده من هر چند دولت فکر میکرد با این یورش و حمله  
ملت کرد را سرکوب میکند اما خوشبختانه برخلاف تصور، دولت در این یورش و  
حمله ضرر کرده و خلق کرد سود برده است و خیلی خوب مقاومت کرده است و  
بیشتر از سابق متحد شده و از خواسته های خود قاطعانه تر دفاع میکنند و معتقد  
است که انقلاب دوباره ایران از کردستان شروع خواهد شد. نیروی پیشمرگه  
تا کنون حملات بی درپی به دولت کرده است و ضربه های زیادی وارد آورده و  
غنا شنگی فراوان بدست آورده است بطوریکه دولت حالا از حمله خود خیلی  
پشیمان شده است و نمیداند چگونه آنرا علاج نماید. دولت بعلت ضعف و زبون  
خود انچنان دچار دستپاچگی شده است که دست به اعمالی میزند که حتی  
مخالفان دعای اسلامی خودش است و با تمام قوانین بین المللی مخالف  
است، مثلا اعدای دسته جمعی که در آن بدون محاکمه کودکان و زخمیان  
را اعدام کرده اند، این اعداها ما هیچکدام بر اساس اصول اسلامی و انسانی  
نبوده اند، آتش زدن محصولات کشاورزی، بمبارانهای بی درپی، تیر-  
اندازی نیروی هوایی به دهات، مردم، احشام،  
بقیه در صفحه ۶

# حقیقت

مباحه ...

کته طی آن نزدیک به ۵۲ نفر زن و مرد و بیرون جوان را کشتند و حتی ملای ده را که قرآن را برده تا مانع کشتار شود کشتند و بعد سرش را بریدند، تاکنون ۴ تن از روحانیون کرد را کشته اند دولت بر تمام این جنایات سرپوش می گذارد، اما هنگامیکه در جنگ عادلانه ما عده ای از آنها کشته میشوند تبلیغات راه میاندازند و بحث "جنگ نابرابر" میکنند که البته جنگ نابرابر است اما ما با این توضیح که پیشمرگان کرد با عده ای کمتر و تجهیزات کمتر در مقابل دشمن قویتر، در حکومتی که ادعای اسلامی میکنند این نوع کارها شرم آور است و آبروی اسلام را با این کارها میبرند.

س - نقش شما در جنبش خلق کرد چیست ؟

ج - من بعنوان انسانی آزاد میخواهم که دلم میخواهد تمام مردم ایران در سایه حکومتی عادلانه و دمکراتیک زندگی بکنند که در آن مردم بتوانند آزادانه افکار و عقاید خود را بیان کنند و زندگی شرافتمندانه و حقوق انسانی آنها تامین باشد و همه خلقهای ایران از کرد و ترک و بلوچ و عرب و ترکمن و همه اقلیتهای مذهبی به حقوق عادلانه خود برسند. من در این مبارزات شرکت میکنم و نقش من ارشاد و هدایت این خلق برای مبارزه است و من این مبارزه را برحق میدانم. هر کسی که در این مبارزات شرکت کند از لحاظ دینی حق است و از لحاظ دنیوی سربلند است. من بمناسبت یک روحانی و یک انسان آئینی وظیفه دینی و وجدانی خود میدانم که با انداز توانائی خود در این مبارزه خلق کرد و دیگر خلقهای ایران سهیم باشم و این را برای خود سربلندی میدانم و از تمام روحانیون مترقی خلق کرد انتظار دارم که پیش از گذشته در این مبارزه عادلانه شرکت نمایند.

س - در تاریخ ۵۸/۶/۲۰ دفتر ری افتتاح کرده اید. اهداف این دفتر چیست و تاکنون چه نقشی بازی کرده است ؟

ج - پس از اشغال نظامی شهرهای کردستان و تحمیل جنگ ظالمانه ز شهر بیرون آمدن و در جنبش مقاومت خلق کرد قرار گرفتیم و بمنظور ادا مبارزه دفتر ری تأسیس نمودم که هدف آن بسیج نیروهای میهن پرست خلق کرد در جهت شرکت در جنبش مقاومت عادلانه و با همکاری با دیگر نیروهای سیاسی سهیم در جنگ کردستان میباشد. این دفتر به هیچ حزب و سازمانی وابستگی ندارد و خود بعنوان یک نیروی سیاسی ملی ضمن ادا مبارزه سیاسی دوشادوش دیگر نیروهای ملی و مترقی کردستان تار سینه پیروزی نهائی یعنی کسب خودمختاری در ایران مستقل و دمکراتیک از پای نمی نشیند. دفتر ضمن مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و فاشیسم در سراسر ایران از ملیت و مذهب و فرهنگ و حق تعیین سرنوشت خلق کرد دفاع میکند و برای ایجاد یک جبهه ملی در کردستان و یک جبهه ضدفاشیستی در ایران مجدداً نه کوشش کرده و میکند. تاکنون این دفتر چه در راه بسیج نیروهای مقاومت در شهر و روستاها و چه در زمینه ایجاد پایه مناسب برای جبهه کوششهای قابل توجهی کرده و به نتایج مثبتی رسیده است.

س - نظر شما درباره گروهها و سازمانها برای هماهنگی یا اتحاد سازمانهای سیاسی بعمل آمده است ؟

ج - گروههایی که در کردستان هستند قسمتی تا حال ناقصی در مبارزه مسلحانه انداخته اند. احزاب و گروههایی که عملاً در مبارزات سهیم هستند هر کدام با اندازه توانائی و امکانات خود بوده، در اینجا با یکدیگر گفتگو میکنند. این مبارزه، مبارزه سراسری خلق کرد است، همانطور که قبلاً اشاره شد مبارزه شخص یا گروه یا حزب خاصی نیست و دولت برای اینکه این مبارزه خلق کرد را کوچک نشان دهد و تفرقه ایجاد کند گروهی یا شخصی یا اشخاصی را مورد حمله قرار میدهد و مقصر میدانند اما خوشبختانه چنین نیست و این خلق کرد است که مبارزه میکند حتی کودکان، زنان و مردان ریش سفید نیز بعلت اینکه موردتهاجم و دستمزد گرفته اند و سیاه در این مبارزه شرکت دارند بدون اینکه کسی به آنها بگوید. تاکنون تلاش داشته ایم تا آنها شی

که در مبارزه سهیم بوده اند متحد شوند و یک شورای هماهنگی بوجود آورند بر سر نکات زیادی توافق انجام گرفته اما بعضی از گروهها چند خواسته ای دارند که برای سایر گروهها قابل قبول نبوده است که ما میدادیم بعد از این سعی شود این شورا محکمتر شده و جناحهای درگیرها منظور که عملاً در جنگ شرکت دارند هماهنگی بیشتری در سازماندهی و اجرای مبارزه داشته باشند.

س - آیا حاضرین مذاکره با دولت هستید ؟

ج - ما هیچوقت در مذاکره را نمی بینیم، همانطور که زاول سعی کردیم مذاکره انجام گیرد، من خودم رفتم و قوا احزاب و گروههای سیاسی نیز مذاکره کرده اند به وسیله ای که امکان وجود داشته سعی کرده ایم با دولت مذاکره کنیم که لایحه همینطور چون مخالف برای در کشی هستیم اما ما روی خواسته های اساسی خود قاطعانه ایستاده ایم و بر اساس آنها مذاکره میکنیم.

س - رژیم حاکم جنبش آزادیخواهی خلق کرد را متهم به داشتن رابطه با بیگانگان میکند، لطفاً در این مورد توضیح دهید ؟

ج - این کار تازهای نیست، هر ملتی که برای حقوق خود مبارزه کند با این اتهام روبرو میشود، آیا در مبارزات خلق علیه رژیم شاه این اتهام به انقلابیون ضد رژیم شاه نیز منتسب نمی شد؟ مسلم است که ما این اتهامات را قاطعانه رد میکنیم و انتظار داریم خلقهای ایران به این یا به گوئیها توجه ننمایند.

س - رابطه شما با نیروهای ملی و مبارز کرد در عراق چگونه است ؟

ج - ما هیچگونه رابطه تشکیلاتی و نظامی با کردهای عراق نداریم، این درست است که آنها نیز کردها هستند و از لحاظ عاطفی به هم نزدیکیم و یک خصوصیات و ویژگیهای قومی و ملی داریم، اما آنها علیه دولت عراق میجنگند و همراه با خلقهای عراق مبارزه میکنند. ما در داخل ایران هستیم و میخواهیم در مبارزه سراسری با خلقهای ایران باشیم روی این اصل هیچ نوع ارتباط نظامی - تشکیلاتی با آنها نداریم اما ما برای جنبش کرد در عراق هم بعنوان بخشی از ملت کرد که سرنوشت مشابهی با ما دارند و هم بعنوان یک نهفت آزادیخواهی و ملی و فدا استعمار آرزوی موفقیت میکنیم.

س - مهمات و سلاحهای شما از کجا تامین میشود ؟

ج - مهمات و سلاح ما مقدار زیادی دکان های کردستان هتگام سقوط رژیم شاه تامین شد و بقیه از غنا شمی جنگی که از ارتش و پادشاهان در ضمن جنگ به غنیمت گرفته شده. مثلاً در جنگ داساوین یا جنگ سقریا کانی سی در همه اینها غنا شمی زیادی بدست آمده و هر وقت بجای دیگری هم حمله شود قطعاً غنا شمی جدیدی بدست خواهد آمد. جنگ ما جنگ پارتیزانی است و جبهه های نیست شایدهما برای اسلحه و مهمات زیاد دچار وقفه و اشکال نشویم اما امیدواریم که همه گروهها و احزاب سیاسی و انسانیهای شرافتمند مترقی و آزادیخواه در جهان از ما پشتیبانی نمایند.

سخنرانی ...  
و آشتی و مذاکره ما را به راه سازش بکشاند.  
خون شهیدانمان در نوروز خونین سنج، در نطقه، مریوان و پاوه، خون شهیدانمان در عید رمضان تا به امروز برای هر کرد دل سوز و میهن پرست روشن کرده که دولت خمینی - بازرگان به فریاد برای حق خواهد نه خلق کرد با توپ و تانک و هواپیما جواب داده و هرگز حاضر نخواهد شد حقوق خلقهای ستمدیده ایران را به رسمیت بشناسد. این دولت، دولتی است وابسته به سرمایه داران و فئودالها و امپریالیسم به همین دلیل دشمن قسم خورده زحمتکشان است. و حال که دولت شکست خورده است نباید اجازه بدهیم تا تحت عنوان مذاکره و صلح، ایجاد سخروردگی کند. غرض ما از این پیشمرگه و فریاد برای شما امضای خودمختاری است. صفوف متحد زحمتکشان مهر آزادی است.

زنده با دوحدت پیشمرگه و خلق  
مرگ بر امپریالیسم و همه مرتجعین  
هر چه رسوا تر باشد زشکاران و خائنین  
مستحکمتر با دوحدت انقلابی همه؛ خلقهای  
ایران

تشکیلات پیشمرگه زحمتکشان

مصاحبه ...

س - برخورد نیروهای پیشمرگه با اسرا چگونه است ؟  
 ج - تا جاییکه اطلاع داریم خوب بوده و آنها را هم که زخمی بوده اند مداوا شده اند، مثلا در شرایطی که خودمان وسایل خواب از جمله تشک ندا ریم برای آنها تشک تهیه کرده ایم. متاسفانه برخلاف این حکومت بینهایت وحشیانه با اسرای ما رفتار میکند، در سنج یکنفر را با برانکا ریه جوخه اعدام برده اند و یک اسیر زخمی و برادرش را هنگام حمل او که آزاد شده بود با هم بگلوله بستند که عکس آنها در مطبوعات داخل و خارج از کشور منتشر شده است. اما در داسر اوین پیشمرگه ها از یک زخمی پا سدا ریه زخم شدیدی داشت تا صبح مراقبت کردند تا ارتش بیاید و او را ببرد، آنها بخود میگویند مسلمان و به ما کافر و شیطان.

س - فکر میکنید خلق تا چه زمانی بتواند مسلحانه مقاومت کند ؟

ج - خلق کرد خود را تنها نمی بیند و این مبارزه ای که شروع کرده مبارزه برای دفاع از حق خود و همه خلقهای ایران است بنابراین انتظار داریم که مبارزه گسترش یابد و همه ایران را در برگیرد و تا زمانی که حکومتی سر کار نیاید حقوق برای مردم و برای همه خلقهای ایران تا مبنی نماید و حافظ منافع زحمتکشان باشد مبارزه خود را ادامه خواهد داد.

س - چه نیروهای خارجی در شرایط کنونی از رژیم خمینی در حمله به کردستان و نیروهای آزادیخواه سراسر ایران پشتیبانی میکنند ؟

ج - بعقیده من همه دولت های مرتجع که چشم به نفت ایران و استعمار مردم زحمتکش ایرانی دارند مستقیم و غیر مستقیم از دولت پشتیبانی می نمایند.

س - نظر شما در مورد "ولایت فقیه" چیست ؟

ج - "ولایت فقیه" را سال های اسلامی نمی دانم و این مسأله ای است که مخالف اسلام است و اگر به قرآن مراجعه کنیم هیچگونه دیکتاتوری را در آن نمی یابیم و حق بخصوصی برای طبقه آخوندان قائل نیست و این را آخوندهای شیعه برای سوار شدن و استعمار مردم درست کرده اند. در زمان خلای راشدین و صدرا ولیه اسلام اثری از "ولایت فقیه" نیست و ما دیکتاتوری را بهر شیوه ای که باشد محکوم می کنیم خواه در زیر درخشش تاج یا زیر پوشش عبا و عمامه.

س - آیا دولت و رژیم خمینی قادرند مشکلات اقتصادی و سیاسی ایران را حل کنند ؟

ج - دولت با روشی که در پیش گرفته نمی تواند این مشکلات را حل کند زیرا انقلاب از مسیر خودش منحرف شده است و روز بروز می بینیم که در نتیجه سیاستهای غلط هیأت حاکمه بر مشکلات اضافه میشود. انقلاب بسوخته آزمایش عظیمی است و تنها نیروهای انقلابی از آن سرفراز بیرون می آیند و جامعه را در جهت حل مشکلات اساسی به پیش می رانند.

س - پیام شما به دیگر خلقهای ایران چیست و رابطه مبارزان خلق کرد را با دیگر خلقهای ایران چگونه می بینید ؟

ج - پیام من برای خلقهای ایران این است که تحت تاثیر تبلیغات قرائت گیرند و تبلیغات آخوندها و وابستگان آنها، آنها را فریب ندهند چون مردم انقلاب را بخاطر این کرد و این همه شهید داد که آزاد شوند و بتوانند عقاید و افکار خود را آزادانه بیان کنند و از حیث اقتصادی در رفاه بسر ببرند و این همه ستم ملی و اقتصادی از بین برود و تفاوت طبقاتی که در ایران حکومت میکند تبدیل بشود به نظامی عادلانه و برابر و تساوی بی سر- قرا شود. مردم برای ایمن مبارزه نکرده اند که فقط شکل حکومت تغییر بکنند و تا "جمهوری اسلامی" بجای نام "نظام شاهنشاهی" را بگیرد. مردم انقلاب کردند بخاطر اینکه این نظام را ساس و پایه تغییر بیاید، روشن است که این امر تحقق نیافته است و معلوم است که رژیم کنونی مثل رژیم سابق

میخواهد با تبلیغات رادیو و تلویزیون و مطبوعات ملت را سرگرم کند و نگذارد مردم دردهای خود را بشناسند و در فکر چاره آن باشند، بنا بر این ما از همه مردم مسلمان ایران از فارس و ترک و بلوچ و عرب و همه گروهها و احزاب سیاسی و همه روشنفکران و آشنائشی که با ما دوست هستند میخواهیم بهر شیوه ای با این دولت فاشیستی آخوندی مبارزه کنند و فریب اسم "جمهوری اسلامی" را نخورند چون معلوم است این اسم مقدس است اما زمانی مقدس است و بدردم میخورد که محتوای نیز داشته باشد، اما متاسفانه آنچه در سایه این اسم انجام میگیرد انسان را بیاد دعصر صفوی می اندازد که چگونه مردم را با زور و فشار و قتل عام از مذهب بر میگرداند و حقوق خلق را با مال میگرداند و هزاران کرد با شرف و مسلمان را با اسم سلام کشتند.

در آخر میخواهم با زنا کیدکنم که مبارزه خلق کرد بخش تفکیکنا پذیرا مبارزه سر تا سری خلقهای ایران بخاطر صلح و دمکراسی و رفاه اقتصادی است و اطمینان داریم که خلقهای ایران در این مبارزه همراه ما خواهند بود و ما هم تا کسب دمکراسی کامل و استقلال واقعی ایران و هم چنین کسب خودمختاری به مبارزه خود ادامه خواهیم داد.

و سيعلم الذين ظلموا منقلب ينقلبون  
 والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

تکثیر از: دسته پیشمرگه های زحمتکش

## در عید قربان از شهیدان کردستان تجلیل کنیم

بسم الله الرحمن الرحيم

(فلما اسلما وتله للجبين ونادين اليا ابراهيم قدامت الرويا اناكذ لك نجزي المحسنين ان هذا الهو الالبه الميبين )

" هنگامیکه در مقابل فرمان الهی تسلیم گردیدند و ابراهیم اسما عیلا را برای قربانی آماده کرد فرمان دادیم ای ابراهیم برای رویا را تحقق بخشیدی، ما چنین نیکوکاران را پاداش میدهم و این آزمایشی بزرگ بود."

خلق قهرمان کرد!

جنبش مقاومت عادلانه ما با سرفرازی و اردو سمن ما خود شده است و این در حالی است که آش انقلاب نه تنها در کوهستانها بلکه در شهرهای کردستان به اوج بیسابقه ای رسیده است. ما با اطمینان به حقانیت مسئله ملی کردستان و شناخت روحیه تسلیمنا پذیر خلق کرد از زمان آغاز بقین داشتیم که علیرغم قربانیهای فراوان، عاقبت متجاوزان بر سر جای خود نشاندند خواهند شد. اما جنگ طلبانی که نمیخواهند و نمیخواهند نیت حقانیت مسئله ما را فهم کنند و از سابقه درخشان مبارزان خلق ما خبیر نداشتند و خود را سرگردانی بالاتر میبنداشتند، تصور میکردند که با سراه انداختن تانک و توپ و طیاره و قتل عام مردم روستاها و اعدام جوانان و قدغن کردن فعالیتها سیاسی میتوانند خلق را برقرار کرده و مردم ما را از تعقیب حقوق مشروع خود بازدارند.

فاجعه دردناکی که بر سر زمین محبوب ما کردستان وارد آمد هم ما و هم دشمنان ما را در بوته آزمایش بزرگی قرار داد. خلق ما با دادن قربانیها از این آزمایش سر بلند بیرون آمدند دشمنان جنگ طلب و متجاوز جنگ و عا رنمیسی نبردند.

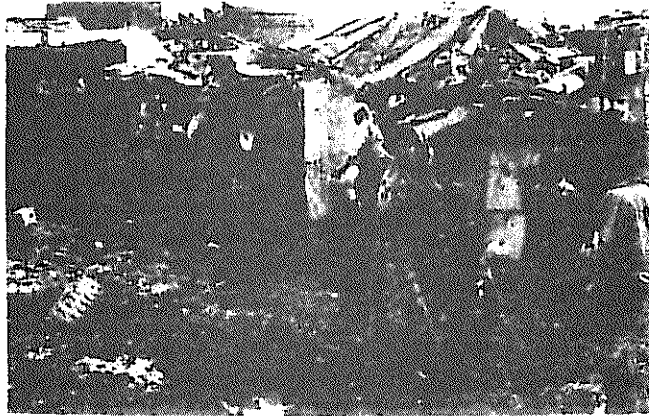
خلعت جنبش مقاومت عادلانه خلق کرد در این مرحله اینست که با دو با زوی نیرو مند و بیاری همدیگر را به انقلاب راه به پیش میرانند، که یک با زویش مقاومت مسلحانه پیشمرگان قهرمان است که از هه حملات شجاعانه آنجا نگیر شده است. این پلنگان کوهستان با ضربات بی درپی در هیچ نقطه ای از کردستان نمیگذارند و نیروهای اشغالگری کثیف یا یکروز آسوده باشند. با زوی دیگر جنبش مقاومت ما اعتراضات و تظاهرات توده ها و خشمگین شهری است که در مقاومت پیگیر و وقفه همگانی مردم قهرمانها با دتجلی کرده و زبا نزد دوست و دشمن گردیده است و اکنون با او جگیری جدید و عدا ساسی قیام مردم قهرمان سنجند نهضت شهری ما به مرحله جدیدی رسیده است.

بقیه در صفحه ۸

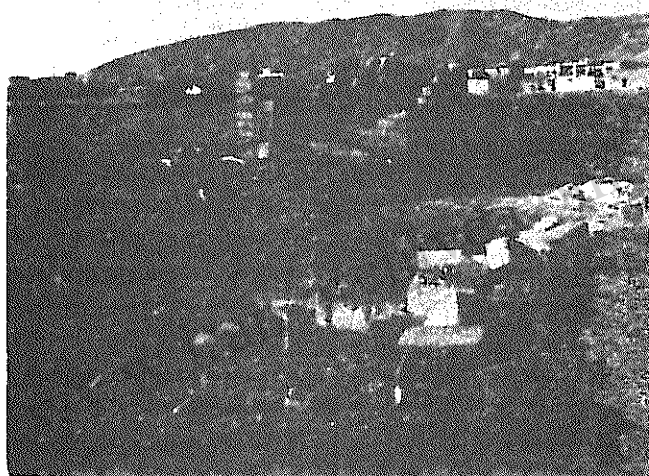




## گزارشی از محله زاغه نشینان حلبی آباد شیراز



زاغه نشین حلبی آباد شیراز



بسی از یورش و حشیا نه افراد کمیته

این زاغه ها می گفت ، در زمان طاعون همیشه با سببها هر چند روز یکبار بر سر ما می ریختند و حالا بیچارگان ادامه عمل آنها را دنبال میکنند، در توضیح بیشتر این شخص داغدار روستم دیده می گوید که از اوایل شهریور ماه امسال هر دوسه روز یکبار چندان فرکه معمولیک گروه غفیری هستند . و چند تابشان ما مورسلح به ژ- ۳ میباید شد بر سرشان ریخته و کتکشان میزنند . در یک مورد چندان و یک مدرسه را که مردم محل با پول خودشان ساخته بودند . ندر ا خراب میکنند . این اوباشان خود را کمیته ای معرفی می نمودند ولی حاضر نبودند کار ت شنا سائی خود را نشان دهند . حتی دلیلی هم برای خراب کردن خانه ها نمی گفتند . خود کر معلی ... چندین بار بدست جانیان کمیته بی مضر و شده بود . با کمی تحقیقات پیرامون این قضیه ، نقشه های ظالمانه کمیته چی ها روشن تر می گردد . تحقیقات نشان میدهد که مالک اراضی محله حلبی آباد که ۲۵ سال است در آن زاغه نشینان سکنه گزیده اند ، دوبرادرینا مه ای حاج کمال فرماندار هستند که از مالکین معروف میباشند . این مالکین جبار به پاسداران انقلاب در شیراز شکایت مینمایند تا اراضی شان را با زمینس بگیرند . پرونده ای برای این شکایت تشکیل میگردد و بداداره اوقاف ارجاع میگردد . سازمان اوقاف تحت این عنوان که اراضی مورد شکایت جز موقوفه هستند و متعلق (۱) به بیت المال ، گروه ضربتی ای را به نام جانیان خمینی برای زهر چشم گرفتن و فراری دادن زاغه نشینان به حلبی آباد گسیل میدارد . دستور داده میشود تا اهالی را گوشمالی داده و چندانهای را نیز خراب کنند . بدنبال این امر به ۱۰ تن از گروه جانیان خمینی در ۱۰ شهریور به کمک دو ما مورسلح به ژ- ۳ از پاسگاه آبا باخانی ، به همراهی معاون با-

بقیه در صفحه ۱۰

کتک می گیرند . یعنی همان اجحافت و زورگویی های گذشته در زمان شاه ، همراه با ادامه زندگی فقیرانه اهالی بنام دیگری بر سر اهالی فرود میاید . کر معلی ... یکی از ساکنین

نیز بر اهالی حلبی آباد نازل شده است . عده ای کمیته چی با همراهان مسلح هر چند وقت یکبار وارد محل می شوند و تعدادی از کومه ها را خراب می کنند و در عین حال اهالی را نیز بسیار

محله دریاقلی کل شاهزاده قاسم ، معروف به زاغه نشین حلبی آباد شیراز ، نیز نام دیگریست بیکی از محروبه های بیشمار ایران که عده ای از هموطنان مادر آن "زندگی" می نمایند . مردم ساکن "حلبی آباد" که حدود ۲۵۰۰ نفر میباشند ، از جمله فقیرترین و محرومترین اقشار جامعه مایند . در هر لانه ای از "حلبی آباد" که کومه نامیده میشود ، ۵ الی ۶ نفر در آن زندگی میگذارند . کومه ها تماما از حلبی ، چوب های بی مصرف طلا بر ماشین و تکه پارهای از این و آن ساخته شده اند . کوچه های آن تنگ و در هم پیچیده ، چون رشته های نامنظم نقاط مختلف این محله را بهم وصل میکنند . از برکت سرور زملمون بهلولی تنها یک شیر آب برای کلیه ساکنین این محله وجود دارد . امکان بهداشتی و آموزشی در این محله حکم شیر مرغ را دارد . صدمتری زاغه ها محل جمع آوری زباله های شهری است . در کنار زباله ها نیز فاضل آب های رو با زوتوالتهای سرباز قرار گرفته اند . وبدین جهت انواع واقسام نیما ریها در میان ساکنین زاغه ها شایع است .

اهالی اکثر ا یکبار رند و تعدد دای شکل رفتگری در شهرداری دارند ، تعدادی دست فروش اند و تعدادی از زنان نیز پاکت درست میکنند . تنها حدود یک سوم بچه های مدرسه روبه کلاس میروند و مابقی اهالی بیسواد میباشند .

این گوشه ایست از زندگی مشقت بار اهالی حلبی آباد ، که نمونه های مشابه آنرا در سراسر ایران میتوان یافت . اخیرا بلای دیگری

## امتحان است با تمییز عقاید

با اسلامی شدن حکومت چینی ما نندسبزه زارهای با طراوتند .  
ب- مهربان به شوهر ، بچه زار و کم مهربه  
ج- خوش بیان ، کوتاه قد ، کم سن و جوان  
د- مهربان ، کم حرف ، بلند قد  
شما کدام جواب را انتخاب میکنید ؟ ما جواب صحیح را نمیدانیم ! ولی هر چه باشد ابطال است . توهین بقیه در صفحه ۱۰

بناظر میرسد که معلمین و آموزگاران نیز با بد صد در صد اسلامی باشند ، اخیرا لیست سئوالات عمومی امتحانات ورودی یکی از این مراکز تعلیم آموزگار بدست ما رسیده که ما اشاره مختصری بدانها می کنیم :  
سوال ۴۴ - "بهترین زنان در نظر بیا میرا گرم (م) چه کسانی هستند ؟  
الف - خضالدین یعنی زبیا شیکه

ارتجاع ...  
ستم دیده و محروم ایران تا شیر مثبت بگذارد ما با آتش بس از هر نوع و به هر بیانه و توجیه که باشد مخالف بوده و هیچگاه در سازش با دولتی پریشان و از هم پاشیده در نخواهیم آمد و با جان و دل در راه ارتقاء سطح جنبش و کسب پیروزی های بیشتری خواهیم کوشید و مطمئن هستیم که در این راه با اکثریت مطلق پیشمرگه های کردستان و دیگر انقلابیون سراسر ایران هم صد و همراه میباشیم .

پیروز با دمبار زات حق طلبانه خلق کرد پیروز با دانه انقلاب سراسر ایران سازش بهر بهانه محکوم است دست به پیشمرگه های زحمتکشان

# حقیقت

گزارشی از ...

سگاه استوار بردبار با یک جیب ارتشی به این زاغه نشین یورش میبرند. چند خانه را ویران کرده، صاحبان آنرا شديداً مضروب میکنند. بیروا یسن اقدام وحشیانه، مردم محروم و زجر دیده حلیی آبا د دست به اعتراض میزنند. حتی یکی از زاغه نشینان به یک ما- مورسلاح حمله میبرد تا خلع سلاحش نماید، که ما مور با عقب نشینی و نشانه رفتن بسوی او تهدید به شلیک کردن مینماید. رهبر این دارو دسته مهاجم با دیدن وخامت اوضاع به افراد خود دستور عقب نشینی میدهد و بدین ترتیب مهاجمان موقتاً فرار را برقرار ترجیح میدهند. بیروا این واقعه، عده ای از اهالی نا آگاه حلیی آساد شکایتی نزد سپاه پاسداران میبرند و جریان را به آنان اطلاع میدهند. پرونده ای تشکیل میگردد! ولیکن عملاً بیگانی میگردد و اقدامی صورت نمی پذیرد. درست چند روز بعد همان گروه مهاجم مجدداً به زاغه نشینان حمله کرده، چند خانه را ویران و چند تن را مضروب می نمایند. زاغه نشینان بدون اینکه اطلاع داشته باشند این گروه بنا مجانبان خمینی است، بهر جایی که شکایت میکنند، گسوش شوایی نمی یابند. تا اینکه تصمیم میگیرند عده ای را بعنوان نماینده به قم فرستاده تا با امام تماس حاصل نمایند. بدین منظور عده ای در ۱۶ شهریور راهی قم شده و در روز ۱۷ شهر- یورد مراد اسم مدرس فیه قم شرکت چته و با خمینی ملاقات کرده و شکایت خود را تسلیم اومی نمایند. در نامه نام پندگان اهالی حلیی آبا دار جمله آمده است که " ما عده ای از زاغه نشینان شیراز طبقه مستضعف و کارگر هستیم که الان قریب ۲۰ سال است در قسمت مخروبه های شیراز زندگی می کنیم و خانه های از حلب و قوطیهای ۵ کیلویی روغن ساخته ایم که فاقد آب و برق هستند... در رژیم طاغوت ما مورین شهر بانی می آمدند و ما را اذیت و آزار میکردند، تا اینکه خواست خدا شامل حال مستضعفین شد و به رهبری نایب الامام خمینی و مردم غیور مسلمگنان ایران این رژیم منحوس پهلوی را درهم شکستند و پایه ظلم را از سر ما کوتاه کردند ولی ما دومرتبه متأسف

شدیم که چرا این رژیم ما که اسلامی است و اسلام حای کارگران است، ما مور- رین کمیته که بدستور نایب الامام منحل شده می آید خا سه های ما را خراب میکنند و ضرر مالی و جانی میرسانند. " و بالاخره خواهان کسب تکلیف خود می گردند. خمینی نیز نامه ای نوشته آنان را به آیت اله سید عبدالحسین دستغیب رجوع میدهد و از او میخواهد تا نسبت به خواسته های زاغه نشینان ترتیبی اثر دهد. زاغه نشینان همراه ما ما به حضور آیت اله دستغیب میروند. ایشان که از قرا رحوله این کار انداختند پس از اصرار نمایندگان کارنا مه خمینی

دوسطری مینویسد و مسئله را به حجت الاسلام سید علی محمد دستغیب رجوع می دهد. حجت الاسلام هم کاری انجام نمی دهد و زاغه نشینان را راهی حلیی آبا د می نماید. درست چند روز بعد از این قرطاس نازی است که همان با ندکنا - ئی - یعنی جانبا زان خمینی - به حلیی آبا د حمله ور شده جمعاً ۱۵ گومه را بر سر ساکنین ویران و یکی از گومه ها را غارت میکنند و چند نفر از اهالی را شدیداً مضروب می نمایند. بدین ترتیب می بینیم که در نظام جدید نیز سه تنها دردهای مستضعفین آوار و بی خانمان درمان نمی گردد، بلکه چلوی ار اذل و واباشان مالکن

اراضی منکونی و کمیته ها با زاست تا هر غلطی که دلشان میخواهند بکنند و هر ظلمی که از دستشان بر آید بر سر مردم محروم زاغه نشین فرود آورند. همین جندی پیش بود که اهالی خاک سفید تهران پارس نیز با وضع مشابهی مواج شدند که طی درگیری با پاسدا- ران کمیته ما مدافع یک نفر شهید و چند تن زخمی شدند. همه این وقایع نشان می دهد که تا زمانیکه توده مردم خود قدرت سیاسی را بدست نگیرد، نمی تواند حتی اولیه ترین مسایل و مشکلات زندگی خود را حل نماید.

## اعلامیه

بسم الله الرحمن الرحيم  
 "نصر من الله وفتح قريب"

خلق قهرمان و مسلمان کرد!  
 خلقهای مبارز ایران!

در آستانه سومین ماه جنبش مقاومت عا دلانه خلق کرد علیه جسک تحمیلی ظالمانه، آثار غلبه حق را بر باطل بهمه زنان و مردانی که برچم مبارزه با طرکسب حقوق ملی و دفاع از آزادی و انقلاب را برافراشتند تبریک میگویم. جنگ ظالمانه ای که بدست عنا صر مرتجع و جنگ طلب داخل در هیات حاکمه به خلق ملحدوست کرد تحمیل گشت نه تنها آرزوی اذغال - گران انحصار طلب را بر آورده نکرد، بلکه بیش از پیش آشکارا سخت کسه اولاً جنگ مقاومت خلق را با کشتار و غارت ویرانه ها تا تک و توب نمیتوان خفه کرد، ثانیاً حفظ وحدت و استقلال کشور در دوران انقلاب فقط از طریق موا- زین دموکراسی انقلابی یعنی برسمیت شناختن حقوق انکارنا پذیر خلقها و مقدم داشتن مصالح و منافع توده های زحمتکش و عدم تعرض با ز ادبها دموکراتیک میسر است. خلق کرد که در دوران سیاه استبداد سلطنتی بهترین و دلیرترین فرزندانش را بر زیر تیغ جلا د و بی پای چوبه دار برده بودند و در پیروزی انقلاب نگوهندمان بران سهم عمده بر عهده داشت حقا امیدوار بود که انقلاب پیروز مندر خلقهای ایران، آرزوها و انتظارات تاریخی اش را بر آورده و بی تمام شکل و مظاهر مستحکم ملی و مذهبی و اجتماعی بیا ن دهد. در این راه خلق کرد از هیچ کوششی فرونگذاشت. نمایندگان خلق کرد با هیاتهای نمایندگی دولت موقت انقلاب اسلامی بریاست جناب آقای داریوش فروهر و جناب آقای احمد مددراج سیدجواد و با حضور مرحوم آیت الله طالقانی در مها با دوستند چ بگفتگو نشستند و خواسته های خود را در دوتوبت در هشت ماهه بیان داشتند که مورد تائید عموم ملت کرد قرار گرفت و آرزای دخواهان سراسر ایران از آن دفاع کردند.

در مسافرت به تهران و قم ضمن مذاکره با رهبران دولت و انقلاب، رجال سیاسی و مراجع تقلید، در عین طرح خواسته های اساسی خلق کرد، تصمیم خود را مبنی بر کوشش در راه حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی و استقلال کامل کشور ایران بروشنی بیان داشتیم و علاقه ما را با آراش و امنیتیست کشور و کسب حقوق ملی از راه مذاکره و منطقی بهمه نشان دادیم.

با وجود همه این کوششهای صلحجویانه و در جواب تمام تلاشهای سیاسی این خلق، بر سرزمین محبوب ما کردستان از راه زمین و هوا آتش گشودند و از چها رسوی کشور ایران جوانان نا آگاه و قریب خورده مردم را بسیج کردند و خونی را که میبایست در سرزمین فلسطین و در جنگ بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم ریخته شود، در کوهستانهای سرکش کردستان و در مبارزه بر علیه انقلابیون راستین خلق کرد بر خاک ریختند.

بنا م محکمه شرع قصابخانه برپا داشتند و عزیزترین چگر گوشگان ما را بجرم آزادیخواهی و حق طلبی به پیش جوخه اعدا م فرستادند. در حالیکه شهدا سرود ملی خود را میخواندند خلق ما بجر جلا د لعنت میفرستاد. در برابر این وحشیگریها، در برابر غارت و اشغال

امتحان است ...

به مقام زن در جامعه است. از اینگونه سئوالات فراوان است ولی برخی سئوالات هستند که جدا نمی بجز تفتیش عقاید (انگیزسیون) نمیتوان بر آنها نهاد. به سئوال زیر توجه کنید:

- ۴- بحران کردستان را
- الف- ایادی امپریالیسم غرب و شرق و صهیونیسم بوجود آوردند.
- ب- پاسداران انقلاب اسلامی بوجود آوردند
- ج- پیروان مذاهب تشیع و تسنن بوجود آوردند
- د- نیروهای ارتش و زاندار مری بوجود آوردند.

جواب صحیح همانا جواب اول است. یعنی دقیقاً منطبق با تطبیقات تازه دوران رسیده های نوین مساله ای با اهمیت مساله کردستان که مساله بیجیده ای از ما - رزه خلق کرد برای احقاق حق خود، مبارزه دهقانان علیه فئودالیسم، بخشی از مبارزه انقلابی مردم ایران، بخشی از مبارزه خلقهای مختلف ایران، توطئه گری نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی مختلف، ... است. با یک سئوال و جواب ساده به لوث کشیده می- شود و اگر کسی جوابی بغیر از جواب دلخواه حضرات معتن بدهد تا انگ صهیونیست امپریالیسم شرق و غرب بر او میخورد. جدا برخی از این سئوالات آدم را یاد آن سئوالات کذاخی دوران- آریا مبری می اندازد که "بانی ایران نوین که بود؟" و از این نوع مزخسر- قات

آقایان بس کنید! یا اینگو نه تفتیش عقاید و این چنین ابطال شما هیچ کس را نمیتوانید تعلیم دهید و نه کسی آنها را قبول می کنید. تنها کاری که میکنید خود را ندیشه خود را رسوا میکنید!



# مبارزه دهقانان و روش دولت جمهوری اسلامی

۸ ماه از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم مستعمر شاه و قدرت گرفتن دولت موقت جمهوری اسلامی و آخوندها در قم و تهران میگذرد. این چندماه هرچند کوتاه بود ولی خیلی واضح و روشن نشان داد که تمام وعده و وعیدهای که داده میشد چیزی جز مردم فریبی نبود. کسانی که ادعا میکردند "مذافع" مستضعفین هستند و این انقلاب بیفیع مستضعفین میباید عمل کند حال دیگر صحبتی از این مستضعفین نمیکند و در عوض "خبرگان" آخوند و دستچین شده ایشان در مجلس سخره خبرگان و شورای به اصطلاح انقلاب ( در واقع با یادگفت فدا انقلاب ) پشت سر هم قوانین و احکامی مضمحلین مستضعفین و محدود کردن حقوق این مردم به تصویب میرسانند. بهترین میبایر و ممالک برای آنکه قضاوت کنیم که آیا کسی که قدرت را در قم و تهران بدست گرفتند اند در خدمت مردم به خصوص زحمتکشان، کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان هستند یا خیر؟ نگاه کردن به اعمال آنها، سازمانها و کمیته‌ها، با سادارن "انقلاب" و روشی که در قبال مردم در پیش گرفته‌اند، بهتر بین وسیله میباید شد. در هفته‌های اول پس از قیام ما شاهد بودیم که منبر نشینان در قم و تهران پشت سر هم به "فدا انقلاب" که در مزارع و کارخانجات "اخلال" میکنند حمله کرده و ادعا میکردند که نمیگذاردند تا کارها درست صورت پذیرد. و از طرف دیگر پشت سر هم روزها می‌نوشتند که تفنگچی‌های کمیته و با سادارن این به اصطلاح فدا انقلابیون را سرکوب کرده و وعده‌ای از آنها را نیز دستگیر کرده‌اند. حال ببینیم که "فدا انقلابیون" و عناصر اخلالگر چه کسانی بودند؟ راه دوری نمیرویم و از خود فارسی و روستاهای آن شروع میکنیم.

روستائیان دوزوستای ده بید و کوک مرودشت که در زمان اصلاحات ارضی شاه مخلوع زمین بدیشان تعلق نگرفته بود (گوا اینکه اساساً این اصلاحات قلابی برای این نبود) به هنگام اوچگیری انقلاب دست بیک عمل قاطعانه و به حق برای گرفتن خواسته‌های خود میزنند. زمینها را بطور عادلانه در بین خود تقسیم کرده و کشت میکنند و از اول خرداد ماه ۵۸ شروع به برداشت محصول مینمایند. مالکین مفتخور سرکله‌شان بیداشده و طبق معمول باج بی غیرتی خود را بگیرند. ولی دهقانان از حق خود دفاع کرده و آنها را بیرون میکنند. مالکین به کمیته‌های امام در شیراز و مرودشت رفته و شکایت میکنند. در تاریخ ۵۸/۳/۱۲ با ساداران به راهنمایی فردی که خود از عوامل رژیم شاه بوده به روستای کوک رفته و وعده تن از دهقانان مبارز را دستگیر میکنند. (اخلالگران را دستگیر میکنند) این عمل مرتجعانه باعث خشم دهقانان شده و با اعتراض شدید آنان روبرو میشوید. در نتیجه کمیته شیراز مجبور میشود که این عین را آزاد کند.

نمونه‌های دیگری نیز که انشاء کننده نقش کمیته‌ها و به اصطلاح بنیاد مستضعفین میباید شد، عمل این آقایان نسبت به دهقانان سیدان است. دهقانان سیدان که مالک عزیزاله خان قوامی را به تصرف خود در آورده بودند مواج با تفنگچی‌های کمیته میگرددند. که بزور اسلحه زمینها را از دهقانان بدر آورده و متعلق به "بنیاد مستضعفین" اعلام میکنند.

در فیروزی کربال مرودشت، دهقانان و خوش نشینان برای الحاق حق خود، ۹۵ هکتار زمینهای با یروبخشی از زمینهای زیرکشت محمدخان دهقان را متصرف شده و در زمینهای با بریا قرض پول از بریا خواران به کشت برنج میبردند. نماینده خان خمسی، ابتدا با پول سعی در فریب دهقانان میکند و چون حیلش کاری نمیشود دست به ادمن کمیته امام می‌گردد. کمیته امام با آغوش باز برای سرکوب "اخلالگران" به حرکت افتاده و همراه یکی از خوانین راهی فیروزی کربال میشوند، و این در هنگامی بود که دهقانان از زن و مرد مشغول تقسیم کشت ویرا دست شده بودند. تفنگچی‌های کمیته چند تن از دهقانان ( و بقول دولت دستگیرگاه حاکم در قم "اخلالگران" ) را دستگیر کرده و به همراه تمام محصول کشت شده بدون باز پرداخت، تحت عنوان

میهن مظلوم و مصلوب مان خفه‌سازیم و به نواهای آزادی آشتی و سعادت گوش فرادهم.

با تکیه و توکل به خدا و ندسیحان که: "ان یبصرکم الله فلاغالبکم"

سید عزالدین حسینی

۱۳۵۸/۷/۲۹

اعلامیه ... سرزمین کردستان، بطور طبیعی جنبش مقاومت ملی شکل گرفت. توده‌های زحمتکش مردم، روشنفکران انقلابی، روحانیون مترقی، بازاریان و عشا یر میهنپرست و همه کسانیکه به آزادی میهن خود عشق میورزیدند، دست در دست هم دیگری برای احزاب و گروه‌های سیاسی بدفاع از لایحه‌ها و خود پرده‌ها و در هر وجه از این سرزمین حماسه‌ای از خون و خشم و عشق و کین آفریدند و قباله آزادی قوم کرد را بر تخته سنگهای کوهستان نوشتند. خلقهای ستم دیده ایران و ملیون و آزادی خواهان و انقلابیون سرا سر کشور و برخی از مراجع عظام تقلید نیز به وسیله ممکن بدفاع از ملت کرد پرده‌ها و ختنه و بر علیه جنگ داخلی و برادر کشی به اعتراض برخاستند و عرصه را بر مرتجعین جنگ طلب تنگ ساختند و بیدین گونه بود که وعده خدا و ندمینی برفتح و نصرت به تحقق پیوست.

هنگامیکه سرانجام در نبردهای حیات حاکمه، منطق و مصلحت بر دیوانگی و خشونت چیره گشت و به ما پیشنها دگفتگو داده شد، ما که همیشه از اتحاد راه حل سیاسی پشتمینا پی کرده بودیم، قرا ملاقات را پذیرفتیم این ملاقات تنها فتح با بی است جهت مذاکره جدی که با بیداران نمایندگان تمام احزاب و گروههای سیاسی و سایر زحمتکشان و انقلابیون خلق کرد شرکت داشته باشند، این امر ممکن نیست مگر با اعطای حیثیت از احزاب و اشخاصی که در جریان مبارزه ملی مورد تهنمت ناروا قرار گرفته‌اند.

آنچه مورد تقاضا است فرمان امان و عفو نیست که این نمایندگان بسیار در غرب کشور بملت کرد پیشنها دمیکند و با رها در روزنا مه و رادیو همه و سایر ارتباط جمعی تکرار میگردد، بلکه با پیدای ملت شریف کرد با ط این همه امانت و اذیت پوزش خواست. با پیدای زقربا نیان جنایت در خواست کرد که قاتلان و جنایتکاران را ببخشند. با ید به خواسته‌های اساسی خلق کرد که خود مختاری کامل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در چهار چوب ایرانی آزادی و مستقل است پاسخ مثبت داده. با ید با نمایندگان واقعی خلق کرد به گفتگو نشست و از تحریک و تقویت عناصر مرتجع و مزدور محلی که تا کنون بر علیه منافع خلق خویش با دستگا هیات حاکمه همکاری کرده اند و مانع از تفاهم دولت و ملت گشته اند و آتش بیار معرکه بوده اند جدا خود داری نمود. با ید امنیت داخلی را به نیروهای انقلابی خلق کرد سپرد و ارتش را با ما نعت از مداخله در مناسبات و مسائل داخلی بدفاع از مرزها گماشت. با ید اداره امور داخلی کردستان را به مجلس شورای کردستان و حکومت خود مختل کردستان واگذار کرد و عقب مانده گیهای اقتصادی و فرهنگی واجتماعی ناشی از ستم ملی را با برنا مریزی دقیق و درست جبران نمود. لیکن از آنجا که سر نوشت خلقهای ایران بیکدیگر پیوسته است، هیچیک از این آزادیها و آرزوها به تحقق نخواهد پیوست مگر با استقرار دموکراسی و حاکمیت ملی در کشور ایران. استقرار دموکراسی و حاکمیت ملی را با پیدقانون اساسی تا مین و تاشید کند و قانون اساسی را به مجلس موسسانی که بشیوه دموکراتیک و با رای آزاد تمامی مردم ایران انتخاب شده باشد میباید و نه تصویب نماینده بنا با این دلایل و نیز بدلیل اینکه حتی یک نماینده از خلق کرد در مجلس خبرگان حضور ندارد، قوانین مصوبه این مجلس برای خلق کرد الزامی و قابل اطاعت نخواهد بود. در یک چنین شرایطی وجود آزادی بیان و قلم و اندیشه و مذهب و مراوا احزاب و اجتماعات و مطبوعات و انتخابات است مری ضروری و حیاتی است و تنها بدین وسیله است مردم میتوانند بر سر نوشت خود حاکم باشند و دستگا ههای هیات اجرا را از طریق افکار عمومی بوسیله قوه قضا شیه و قوه مقننه کنترل نمایند. برای دستیابی باین اهداف و برای زیستن در محیط آزاد مصلح و دوستی و برادری با ید مبارزه کرد. با ید بر علیه جنگ طلبان مرکزی و مرتجعین محلی با روحانیون مترقی، آزادی خواهان، انقلابیون و واقع بینان اشعا دنمود. با ید موفوف زحمتکشان را هر چه بیشتر متحد نمود. با ید در شهرستان و در کوهستان بخاطر تحمیل شرایط مناسب صلح بسود خلق مبارزه را تشدید کرد و سرا نجام با ید جفد جنگ را بر ویرانسه

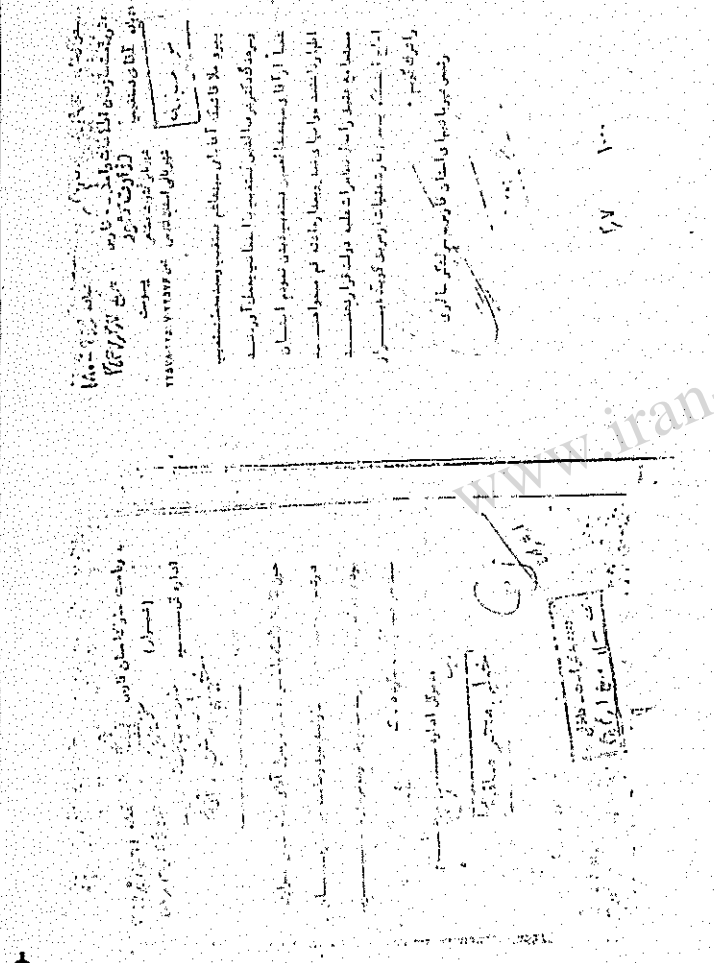


# خیلی محرمانه!!

وقتی که مشروعه چنان در مجلس خیرگان نشان  
 ولایت نقیه " یعنی حکومت مشروعه گری را " قا-  
 نونیت" میبخشد، وقتی که حساب کتابکارها  
 و خیانتهای روحانیون را از حساب برهکاران و  
 خیانتکاران دیگر جدا میکنند و برایشان دادگاه ویژه تشکیل میدهند تا افسار  
 این خیانتها بخارج درزن کنند، روشن است که باستانی مقدمات این نوع حکومت  
 را در عمل پیرفرها هم کنند، روشن است که با بدنه تنها از درزها خیانتهای -  
 شان جلوگیری کنند بلکه بطورکاملاً محرمانه بر آنها سرپوش نیز بگذارند. ولی  
 بر ما واجب است که این اسرار محرمانه را علنی کنیم!

آقای سید غلامحسین دستغیب در شیراز بر طبق اسناد کلیه شده یکی از هم  
 کاران ساواک رژیم شاهنشاهی بوده اند. و از آنجا که اعتمادی در نزد مقدم  
 برخوردار بودند که "مدرسه حکیم" و موقوفه حضرت سید محمد " به ایشان واگذار می-  
 شود. آنجا که هراس از گسترش انقلاب ایران بدل این آیت الله راه یافته  
 بود که وقتی که جوانان مبارز و بقول ایشان " تندرو" میخواهند مسجد جامع  
 عشق را بمشکوب کنند، رژیم را بر زمین بیاورند، رژیم شاه را خلع " را خوا-  
 ستند. اینگونه خیانتها و اسناد بنا بر مصلحت در دوران رژیم شاه مهر "محرمانه"  
 و "خیلی محرمانه" بر آنها میخورد. گویا امروز مشروعه چنان برای قبحه کردن  
 قدرت در دست خود باز هم بنا بر مصلحت سیاست "خیلی محرمانه" را پیشه خود  
 کرده اند.

مبارزه .... غصبی " بودن به شیراز میبرند.  
 و شهید میکنند که هنگام پراختن برنج آنها هم خواهند بود.  
 مورد دیگر مبارزه دهقانان روستای سلطان آبا دکر بال بود. علی  
 رغم تمام مشکلات دهقانان بر علیه خاندانهای کوری جز وعده و وعید از طرف مسئول  
 لاین کمیته ها برای گول زدن دهقانان و آزاد کردن مالکین صورت نمی  
 گیرد. و زمانی که خاندانها جواد شیبانی، علی زارع، بدالله گرمجانی در  
 مقابل اتحاد دهقانان به وحشت افتاده و با اسلحه به آنها حمله میکنند و  
 باعث شهادت یکی از دهقانان میشوند، تفنگچی های کمیته امام اینبار  
 نیز چون دفعات دیگر دهقانان را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و به آنها  
 تفتیش برای پیدا کردن "اخلالگران" موجبات اذیت و آزار دهقانان  
 غیور و مبارزان را فراهم میآورند. بسیاری موارد دیگر که اگر به خواهیم در  
 مورد آنها سخن گوئیم بحث بدرازا میکشد. از قبیل آنچه که بزرگواران  
 مهربان و کربال رفت. دستگیری و ضرب و شتم دهقانان در گویم و بیضا.  
 در این یکی وزارت کشاورزی نقش مهمی به همراه کمیته ها برای سرکوب  
 داشت. دهقانان زیر سلطه محمدخان بیات در آبباریک، دهقانان منطقه  
 به مجردی که زمین خود را از مالک گرفته اند، بوسیله کسانی چو خسروخان  
 مرتجع سرکوب میشوند. و کمیته های امام و دولت نه تنها در مقابل خسرو  
 خان سکوت میکنند بلکه تا بییدم میکنند و... خود تجربه زندگی بهترین  
 بیان کننده واقعیات هستند آنچه که در بالا گفته شد فقط مختصری بود آنچه  
 از بخش کوچکی از اتفاقات جاری در این مملکت و سیاسی که دولت موقت  
 و هیئت حاکمه قم در قبال زحمتکاران در پیش گرفته اند. که مرتجعانه ترین  
 عمل آنها لشکر کشی تفنگچی های تحت فرماندهی قم (پاسداران) و ارتش  
 ضد خلقی آن به کردستان برای سرکوب دهقانان و شوراهای دهقانی آنها  
 میباشد. جایگاه جنین دهقانان برای تقسیم اراضی از همه بیشتر و وسیع  
 گشته بود. ولی از طرف دیگر تجربه مبارزات دهقانان در این منطقه و چه  
 تجربه مبارزات دهقانان کردستان و حمله های ضد انقلابی دولت موقت و  
 هیئت حاکمه قم به آنجا نشان میدهد که اگر دهقانان متحد شوند و شورای  
 دهقانی و انقلابی خویش را که دارای با زوی مسلح دهقانان مسلح که در تحت  
 رهبری شورا عمل میکنند، ایجاد کنند. هر چند که ممکن است مورد هجوم  
 قرار گیرند، ولی با اتکال به این قدرت مسلح میتواند خدما چنان را سه  
 عقب برانند. تجربه دهقانان کردستان به خوبی بیانگر این واقعیت  
 است. در مورد کردستان در اوائل با بوق و کرنا و دهل گوش مردم را از این  
 که دهقانان غیور کردستان انقلاب اندوختند اسرا بیلی ها در آنجا هستند، کر  
 کرده بودند. بهرحال علیرغم تمام تبلیغات مرتجعانه و هجوم و حشیانه بر  
 علیه دهقانان کردستان، از آنجا که آنان دستجات مسلح انقلابی خود را  
 درست کرده بودند و در مقابل هجوم مقاومت کرده و آنرا درهم شکستند، و هم  
 چنین بتدریج جنایات ارتش و سپاه پاسداران آشکار شد. و ضربت جا-  
 نانه ای به این خشک مغزان مغرور نشان داد. و کسانی که بهیچ وجه حاضر  
 به مذاکره سیاسی با نمایندگان مردم کردستان چون آیت الله عزالدین  
 حسینی نبودند را وادار کردند تا با خفت به این مسئله تن در دهند.  
 بله در این ۸ ماه عوام قریبانی که از پشتیبانی احساسات منتهی  
 مردم برخوردار بودند به درستی ماهیت خود را نشان دادند. نشان دادند  
 که کسانی را که اینان بعنوان "اخلالگر" مورد حمله قرار میدهند، کسانی  
 بجز زحمتکاران که برای احقاق حقوق خود برخاسته اند نیستند. و اخلالگران  
 و ضد انقلابیون واقعی یعنی خاندانها و مالکان مورد حمایت پندریخ دولت و  
 هیئت حاکمه قم میباشند. همچنین در طی این ۸ ماه زحمتکاران، کارگران  
 و دهقانان در بسیاری از نقاط دریا فتند که انقلابشان به پایان نرسیده  
 و برای پایانش میبایند کماکان متحدانه و با عزمی راسخ با ضد انقلابیون  
 اصلی و حامیان جدیدشان کماکان جنگید. باید شورا های واقعی و انقلاب-  
 بی دهقانان را برپا داشت و با قدرت مسلح اش پوزده ضد انقلاب و پاسداران  
 و ارتش اش را به خاک مالید. و در مقابل تمام متوطفه، نیرنگ و فریب-



رشوه ایستادگی کرده و با عزمی قاطع به مبارزه ادامه داد.  
 زنده باد شورا واقعی و انقلابی دهقانان  
 زنده باد با زوی مسلح دهقانان انقلابی در تحت  
 فرماندهی شورا  
 نابود باد سلطه مالکان منتخوری و خیانتکاران  
 بر قرا با حکومت زحمتکاران شهروروشیا  
 یاران دهقانان انقلابی فارس  
 آبان ۵۸

# حقیقت

سقوط ....

تربری کننا رگزاردن با زرگان و تشبیت خود در قدرت سیاسی از طرف شخص آیت الله خمینی آغاز گشت: تظاهرات وحدت با ما مسرا آغاز بسیج مردم برای این مبارزه بود. اگر تظاهرات وحدت در مرداد ماه اساسا برای یورش علیه نیروهای انقلابی و دموکراتیک در اوایل خرداد بود، تظاهرات وحدت با ما اساسا با بخاطر تمغیه حسابها در درون خود چنانچه صاحب قدرت و پانزدهم به قدرت بود. سرآغاز یورش برای تصرف دولت.

با زرگان خود در نطق "خدا حافظی" اش به این تظاهرات اشاره می کند: "ما در مملکت صدام داریم و در شهرهای ما صد کلانتر وجود دارد که روز بروز زیادتر میشود..." و سپس می گوید من این بحران در مملکت را به شورای انقلاب گوش زد کردم و به ایشان گفتم که "ما مبیایند تهران و کاهرا را زیر فرمان بگیرند که تظا داخلاق نباشد و یا اینکه کار را بعهده کسانی بگذارند که الحمد للهِ امکانات دارند - روزنامه ها دارند - و سایر دارند - دسته و کمیته ها را زیر فرمان دارند".

آری علت دیگر سقوط با زرگان این مبارزه حادثه درونی بر سر تشبیت در قدرت حاکم از طرف جناحهای رقیب بود. مبارزه ای که با زرگان در آن شریک بود، بقول خودش چاقوی بی تیغی بود که میخواست تیغه دانش بکند، و دیگران هم در صدد بودند حتی آن دسته را از دستشان در آورند، و گوید با در آورده اند. ناگفته نگذاریم که خمینی و مشروطه طلبان دیگر در این مبارزه از موج ناراضی عمومی کمال استفاده را بردند، بر آن سوار شده و بکمک آن به مقاصد خود جاه عمل پوشانند.

و بدین ترتیب با زرگان سقوط کرد و شورای انقلاب زمام امور را بدست گرفت. فرمان خمینی به شورای انقلاب و وظایفی که به عهده شورای انقلاب گذاشته است خود بیانگر این مبارزه بر سر قدرت میباشد. خمینی در فرمانش سه وظیفه - ۱ - همه پرسی در مورد مجلس خبرگان - ۲ - انتخابات مجلس شورای

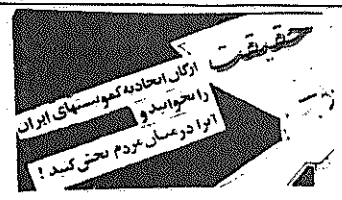
۳ - انتخابات ریاست جمهوری را به عهده شورای انقلاب میگذارد یعنی سه مسأله ای که بروشنی ترکیب قدرت حاکمه در آینده نزدیک را شکل خواهد داد. روشن است که وظیفه اول در مورد پیش بردن مژولایت فقیه " و بسط تصویب رساندن آن توسط مردم است، نکته ای که مبارزه ای حاد را در سطح جامعه در بین همه نیروهای سیاسی دام زده و متضمن قانونی کردن حکومت مشروطه طلبان است. با زرگان در نطق خدا حافظی اش آشکارا به این نکته اشاره میکند، ولی اینبار با استدعا: "اما در مورد مجلس خبرگان من توصیه های دارم و امیدوارم، استدعا میکنم از این مجلس بررسی قانون اساسی در مرحله نهایتی یک تجدیدنظری در مورد بکنند که حاکمیت ملت برقرار باشد و حکومت طبقاتی و انحاری نباشد که بعدها به دردمرخی خوریم." و یا "بعضی از تصویب قانون اساسی و تصویب آن با زهم دچار هرج و مرج شویم... و حاکمیت طبقاتی و لوطیفه روجا نی در آن وجود داشته باشد". البته آقای با زرگان برای خود و هم مسلکان خود "استدعا" دارد ولی این امیال را در زیر پرده ملت و حاکمیت ملت عنوان میکند. وظیفه سوم یعنی انتخابات ریاست جمهوری هیچ نیست جز تضمین انتخاب یک مشروع و طلب، خواستی که بخاطر آن تاکنون رقبای چندی چون مدنی، نژی و حتی با زرگان از صحنه بدر شده اند. بنا بر این گرفتن زمام امور از طرف شورای انقلاب نه آنچنانکه حزب توده خائنین یا حزب جمهوری اسلامی ادعا میکنند، در جهت برآورده ساختن خواسته های مردم نبوده و بلکه نشانی است از مبارزه درونی جناحهای حاکم و شریک در قدرت برای تشبیت خود در قدرت. ولی نهایستی تصور کرد که با زمامدار شدن شورای انقلاب این مبارزه درونی بی پایان رسیده است؛ بهیچ روچنین نیست و هنوز تظاهرات وجود دارند و دعواها با لاجواهد گرفت. ترکیب شورای انقلاب بهیچوجه یکدست نیست. رویاها و مکاتباتی چون بهشتی، قطب زاده در آن می لولند و چنانکه همین او را خورشید حتی شخصی با زرگان نیز در آن عضویت دارد. بنا بر این مبارزه هنوز ادامه دارد. بدیهی است که چون این تغییر و تبدیلات در جوی انقلابی صورت پذیرفت و بنا بر این شورای انقلاب بصورت عوامفریبانه و در حرف به یک رشته اقدامات دست خواهد خورد. روشن است که چنانچه در آن درون شو -

رای انقلاب ما ننهدا رودسته بهشتی و حزب جمهوری اسلامی هیچگونه توافقی با سیاست ضد آمریکا نی چاری در میان مردم نداشت ولیکن میکوشند امروزه بر آن سوار شوند. نیروهای انقلابی و جنبش کمونیستی میبایستی تا ثیرات این تغییر و تبدیلات و مبارزات مردم را در نظر گیرند و بر آن مبنا وظایف خویش را در اوضاع کنونی مشخص سازند. روشن است که حرکتی که در ارتباط با اشغال سفارت آمریکا پدید آمده باعث نگریخته شدن احساسات ضد امپریالیسم آمریکا در مردم بوده و خواسته های انقلابی آنان را دوباره به میدان آورده است. این مهم نیست که عده ای در بالا از این حرکت برای مقاصد خود سود جستند، آنچه که مهم میباشد آنستکه انتظارات مردم را برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا زهرکسی که امروز در راس حکومت قرار دارد را بلامبیرد. آنها خواهان عمل جدی در مقابل امپریالیسم آمریکا هستند، خواهان افشاء و لغو قراردادهای تحمیلی و مستغرا نه با امپریالیسم آمریکا، خواهان بیرون ریختن همه جا سوسان آمریکا شئی از ایران، خواهان قطع روابط با آمریکا... هستند. آنها خواهان پاسخ جدی به گستاخی های آمریکا می باشند و میخواهند که حتی با قطع صدور نفت به آمریکا، این امپریالیسم جها نخواهد در متنگنه قرار دهند. اگر چه امروزه از طرف حاکم سعی بسیار میشود که این خواسته ها را محدود کنند و خواسته قطع صدور نفت را (که اول با از طرف نفتگران قیظمان مطرح گردید) توطئه ای از جانب امپریالیستها جلوه دهند (!!) ولی با این وجود کسانی را که در رأس قرار گرفتند اندیشیدند تحت فشار قرار خواهد داد. جنبش انقلابی و کمونیستی ایران باید بر حرکت اصیل مردم تکیه کرده ابعاد آن را گسترش دهند، و با بطنه آن را با طبقات ارتجاعی و ارگان های موجود در جامعه نندارتنش و نیروهای دیگر نظمی که بیضا به پایگاههای اصلی امپریالیسم در ایران خدمت میکنند، نشان داده و آن را جهت دهند. و گرنه عرصه را برای عده ای سودجو و فرصت طلب بسازد گذاشته اند تا احساسات پاک مردم استفاده کرده و آن را به انحراف کشند.

نکته دیگر که نمایان اهمیت است، آنستکه امروزه دیگر گرایشی با اصطلاح "تعدد مراکز قدرت" حداقل در طرز حرکت گردیده است. مشروطه -

طلبان دیگر نمیتوانند سیاستهای زنگ خورده و قرون وسطائی خود را در پوشش سیاست گام به گام دولت پنهان کنند. امروزه مردم از شورای انقلاب حساب طلب میکنند و با آنها طرف هستند. مردم خواهان انقلاب هستند و ولی شورای انقلاب در مجموعه خود چیزی که بیش از نندسیاست با زرگان به پیش خواهد گذاشت. و همین امر تاضا بین مردم و شورای انقلاب را مستقیم تر و تشدید کرده و به مبارزه دامن میزند.

سقوط با زرگان و موج جدید مبارزه را زبانه نشانی داد که هنوز روحیه انقلابی با لای مردم وجود دارد، روحیه انقلابی مبارزه جوئی بر علیه امپریالیسم و اعمال آنها یعنی طبقات ارتجاعی بورژوا - فئودال. هنوز مبارزه بر سر قدرت سیاسی بصورت حاد وجود دارد. نیروهای انقلابی و جنبش کمونیستی باید این اوضاع و شرایط را دقیقاً دریا بندد و آن را بسود انقلاب و دموکراسی و استقلال میهن عزیز بهره گیرند.



## در نگین و پخش حقیقت ما را یاری دهید

در باره ....  
 قرار گرفت. زمینهای موات بهمان درجه و آهنگی نمیتوانند مورد بهره برداری و استفاده دهقان قرار بگیرند که دهقانان بهمان درجه و آهنگ از قید و بند نظام رضی نیمه فئودالی و وابسته در روستاها را بیافته اند. و برای این رها شئی سرگونی نظام رضی نیمه فئودالی و وابسته در روستاها و تقسیم زمینهای فئودالی و کمپرب ادوری به نفع دهقانان و تقسیم آن تحت رهبری شوراها و واقعی روستاها و دهات ضروری است.

درباره ...

نوعی اراضی هستند و چه را بطنه‌ای با دیگر اراضی قابل زراعت و کشت و ریزی دارند؟ اراضی موات، اراضی مرده‌ی بی‌دین معنی که نه در آن کشت شده است و نه مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، می‌باشند. همچنین این زمینها دارای مالک معینی نه بوده و اختیارشان در دست دولت - های وقت قرار دارد. این اراضی که طی سالیان و حتی قرن‌ها بلا استفاده بوده و بصورت طبیعی مانده‌اند در درجه پست تری نسبت به اراضی زیر کشت، اراضی آیش و حتی اراضی با- برقرار دارند. یعنی به یک کلام پست‌ترین اراضی قابل کشت و ریزی هستند که حتی مالکین فئودال و ملاکین سر- ما پیدا و نیز در صدد استفاده از آنها بر نیا مده و آنرا بصورت خودرو و طبیعی در محدوده و اطراف دهات باقی‌گذاشته- اند. جدول زیر موقعیت انواع زمین های قابل زراعت را در مقایسه با هم در سال ۱۳۵۳ نشان می‌دهد:



این جدول از یکسو نشان دهنده آنست که تحت نظام ارضی نیمه فئودالی و وابسته ایران فقط حدود ۱۷/۳٪ از زمینهای قابل زراعت ایران، سالیانه به زیر کشت رفته است و در مقایسه ۶۲/۵٪ از زمینهای قابل زراعت بطور کلی متروک و یا مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. این خود قاطعاً بلیت‌های بسیار محدود نظام نیمه فئودالی روستاهای ایران را برای رشد و گسترش کشت و ریزی در طی سالهای متبادی بخوبی نشان می‌دهد. از سوی دیگر این جدول نشان می‌دهد که اراضی موات تا چه حد نسبت به سایر اراضی زراعی دارای موقعیتی پای- شین ترو پست تر بوده که احیای بهره برداری از آن نیازمند امکانات وسیع و سرمایه‌سنگینی است که مسلماً از عهده دهقانان ایران بر نخواهد آمد. بدین ترتیب محتوی و مضمون ارتجاعی و ضددهقانی طرح تقسیم اراضی موات بیشترینمایان میشود و بی جهت نیست که دهقانان فریاد دیر می‌آورند که این قانون و طرح اکتوا-

نسبت به کل زمینهای زمینهای ایران

نسبت به کل زمین های حاصل زمین ها به میلیون هکتار

۱۷/۳٪	۸/۶	۱۷/۳٪	۱۰	۱۷/۳٪	۱۰
۶٪	۱۵	۶۲/۵٪	۲۱	۶٪	۱۵
۱۸/۹٪	۲۱	۳۰/۳٪	۱۵	۱۸/۹٪	۲۱
۳۰/۱٪	۴۹/۶	۱۰۰٪	۴۹/۶	۳۰/۱٪	۴۹/۶

نشین دوران طاغوت هم بدتر و عقب‌تر است. قانون "اصلاحات" ارضی ۱۳۴۱ رژیم منحل پهلوی دست کم در متن خود در برگیرنده کلیه اراضی زراعی از زمینهای زیر کشت تا زمینهای بی‌روموات برای تقسیم بود. ولی

در عمل از آنجا شیکه زمینها و یا بر ( زیر کشت ) روستاها مهمترین زمین های برای زراعت هستند، تقسیم اراضی به گرد این زمینها گره خورد و به موات و یا بر توجی نشد. البته این بخش از اراضی را برهم که ما بین دهقانان تقسیم شد از بدترین زمین- های دایر بود که با تقسیم آن بعلت سرنگون نشدن نظام نیمه فئودالی در روستا و حفظ بزرگی مالکی در عمل بسیار محدود گذشت. در ۱۳۴۴ نیز رژیم سابق از تقسیم این اراضی منصرف شده و این اراضی را به خود منتقل نمود تا به اشخاص و شرکت‌ها شبکه با هم را می‌وسا عدتها و وامهای دولت وقت حاضر به توسعه و بهره‌برداری از این زمین ها باشد، و اگر دولت منتقل شود. ولی کماکان در سال های بعد نیز این زمینها بی استفاده مانده و بدون توجهی نشد و بطور کلی کسی حاضر به بهره برداری از آن نبود. چه نه دهقانان دارای امکانات و سرمایه کافی در تحت نظام نیمه فئودالی پهلوی بود- ند ( و نه میخواستند یا شند ) که از آن بهره برداری کنند و نه فئودالها و کمپرا دورها تمایل به این کار داشتند. بدین ترتیب می بینیم این سیاست به اصطلاح تقسیم اراضی موات ( و یا بقول آیت اله منتظری تقسیم اراضی با بر ) تنها یک جنبه از سیاست "ملا- حات" ارضی رژیم سابق است که هم-ا- نند گذشته در حرف باقی خواهد ماند. چه شراطنی را که جنبا با یزدی برای تقسیم این زمینها به دهقانان اعلام میدارد غیر جدی بودن این طرح از همان آغاز زش پیدا است. بقول معروف دم خروس از زیر قبا پش پیدا است. ایشان شرا- بط تقسیم این زمینها را چنین عنوان میدارند که " البته شرط و شروطش این است که اول به آنها اجازه میدهم اگر خوب کار کردند و زراعت کردند به آنها واگذار میشود و در غیر این صورت اگر ول کردند و رفتند شهر و فقط دلشان خوش بود که مالکش هستند بعد از سه سال مجبوریم از آنها بگیریم و به دیگری واگذار کنیم. " ( اطلاعات، ۲۹ مهر ماه - تکیه‌ها از ماست ) . خوب، سالی که نکوست از بهارش پیداست. یعنی با حفظ نظام نیمه فئودالی و با حفظ بهترین زمینها در دست مالکین و سرمایه داران، پست ترین زمینها به دهقانان به شرطی واگذار میشود که روی آن خوب کار و زراعت کنند، و اگر نکردند از آنها پس از سه سال پس گرفته میشود. اولاً که دهقانان اگر قرضه نبودند از این زمین ها در طی قرون متبادی استفاده کنند

مسلماً تا بحال دست به اینکار زده بود ند. و دوماً اگر هم دست به احیای بهره برداری از آن بزنند مطمئناً سالیان متبادی برای توسعه و بهره‌برداری آن لازم است و نه سه سال. در نتیجه به این شکل عاقبت این طرح از هم اکنون قابل پیش بینی است. یعنی اگر دهقانان هم دست به زراعت و کشت در این زمینها بزنند در عرض سه سال قاطعاً در به خوب کار کردن و زراعت نیوه و مجبورند زیر فشار ( علیرغم حتی کمکی هم که دولت موقت به آنها بکند ) نظم اقتصادی - اجتماعی روستاها، زمینها را از دست بدهند و تا زه روز از توروری از نو! ولی از تمام اینها گذشته و مهمتر اینکه، همانطور که تجربه نشان داده و تاریخ ثابت نموده است هیچ نوع تقسیم اراضی تحت سلطه و نظام استثمار نیمه فئودالی روستاهای ایران میسر و ممکن نیست. بلکه این اشکال متنوع " اصلاحات" ارضی خود در خدمت خادتر نمودن تضاد عمده روستاهای ما، که ما بین توده کثیر دهقانان بویژه دهقانان فقیر و میا- نه حال از یکسو و بساط و نظم نیمه فئو- دالی و ما قبل سرما پیدای و وابسته از سوی دیگر است، قرار خواهند گرفت. فیت. " اصلاحات" ارضی رژیم شاه سابق، خود بیانگر بهترین و آخرین نمونه از این نوع تقسیم ارضی است. مبارزه دهقانان بخاطر کسب زمین، یعنی مبارزه برای سرنگونی نظام اقتصادی - اجتماعی نیمه فئودالی و وابسته روستاهای ایران است و پس! محورا ملی مبارزه ارضی در روستاهای ما بگردن ما دره و کسب زمینهای فئو- دالی و کمپرا دوری است و نه زمینهای موات ( و یا با برینا به طرح آیت اله منتظری ) از طرف دهقانان بطور عمده پیش شرطش سرنگونی و قطع کامل نفوذ فئودالها و کمپرا دورها در روستا- هاست و تا زمانی که این مهم صورت نه پذیرفته است اراضی موات نه میتوا- نند مورد استفاده دهقانان قرار گیر- ند و نه میتوا نند گامی برای رهایی آنان از قید و بند این بساط خانمان براندا ز نیمه فئودالی روستاها با- شند. همانطور که آن بخش از اراضی دایر ( که اراضی بهتری هم از این اراضی موات بودند ) که در دوران رژیم سابق ما بین دهقانان تقسیم شد نه گامی برای رهایی شان از استثمار چندلایه روستائی شونده موزد بهره برداری و استفاده بیشترشان نسبت به دوران قبل از " اصلاحات" ارضی بقیه در صفحه ۱۳

مدنی...

که تیمسار مدنی میگوید "میخواهند" یعنی اینکه من تهدید میکنم که اگر آنچه میخواهم ندهید، خوزستان و نیروی دریائی را به آشوب میکشم. و دو روز بعد هم از طرف نیروی دریائی اعلامیه ای صادر میشود و از جناب تیمسار فرمانده شان پشیمان می کنند! (اطلاعات، ۱۵ آبان).

تیمسار مدنی در پاسخ سوال خبرنگار از اطلاعات در مورد اینکه آیا شیخ مهنا مزرعه (که استاد و اکی بودنش توسط روزنامه "انقلاب اسلا می" افشاء شد) در جریان خلیج سلاح دشت آزادگان نقشی نداشته بود؟ چنین جواب میدهد: "من برای خلع سلاح و تامین آرامش و امنیت منطقه از هر وسیله ای استفاده میکنم این ها یک تاکتیک است... (اطلاعات، ۱۲ آبان). آری باید به مشورعه چنان و لیبیرالهایی که دلشان برای "آرامش و امنیت" فتح میزند گفت که تاکتیک های آقای مدنی را ببینید، اتحاد با ساواک و عوامل امپریالیسم و ارتجاع بر علیه انقلاب اینست تا تکلیک مدنی ها. شاه هم افتخار میکرد که ایران جزیره "ثبات و آرامش" است. منطق آقای مدنی با شاه چه تفاوتی با هم دارد؟

ناگفته نگذاریم که بسیاری از افشاگریهایی که بر علیه تیمسار عالی جاه در جریان است، نمودار مبارزه ای است ما بین نیروهای مختلف هیئت حاکمه ایران. هل من مبارزه هایی که اشخاصی مثل کیانوش و آیت اله کرمی (کسانیکه گذشته و حال خودشان سخت ناپاک است) بر علیه مدنی میخوانند از موضعی ارتجایی و برای آنستکه چه کسی خوزستان را تحت کنترل داشته باشد. این آقایان همانهایی هستند که در کشتار تیمسار مدنی بر علیه خلق عرب متحدش بودند. چرا در آن زمان لب از لب نگفتند؟ اینان میخواهند بر خشم بر خلق مردم خوزستان سوار شده امثال و آرزوهای خود را جاه عمل ببوشند. تیمسار مدنی میبایستی به خاطر همه فجایعی که در خوزستان مرتکب شده، همه توطئه هایی که بر علیه انقلاب و مردم چیده است، در یک دادگاه انقلابی محاکمه و مجازات

نجه های ...

میترسد، در نتیجه تعجب آور نیست که بخواهد در سر راه آن سنگ بپاشد. این رژیم در سرش خیال پر کردن جای زاندارمی رژیم شاه در خلیج را می - بروراند و از تاثیرات انقلاب ایران برای مردم عراق و نیز از رشد نیروهای مترقی و امکان تحولات دمکراتیک در کردستان و تاثیرات آنها بر خلق کرد عراق وحشت دارد. (حقیقت شماره ۱۰۳۱ تیر ۵۸).

حرکات مذبحان رژیم صدام حسین از آن تاریخ به بعد همه گواهی واقعیت تحلیل فوق است. سفیر عراق در لبنان طی یک سخنرانی گفت که "ایران با پیدا و طلبانسه موافقت نامه مارس ۱۹۷۵ با عراق را که در الجزایر منعقد شده، اصلاح کند و از اقلیت های ایرانی رفع ظلم کند" و نیز "ایران با پیدا ز ادعاهای ارضی خود بر شرط العرب صرف نظر نماید و جزیره واقع در خلیج فارس را تخلیه نماید." (اطلاعات - شنبه ۱۲ آبان، منتقل از آسوشیتد پرس). پیروایسن سخنان تحریک آمیز و امیرالیست - پسند موج تبلیغاتی حکومت بعثت بر علیه انقلاب ایران آغاز و نیز تشبیهات ارتجایی دیگری مانند اعلام آمادگی جنگی به لشکر عراقی مستقر در بصره و حمله به کنسولگریهای ایران و ... آغاز گردید.

در همین حال در طی یورش ضد مردمی پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی به کردستان، در طی دو ماهه اخیر، حکومت بعثت عراق به کمک داوودستهرهبری خائن و وابسته حزب دموکرات شتافت تا بدین طریق بتواند در مرزهای غربی ایران - مو - قنیت ممتاز و نیز هوادارانی در میان خلق کرد عراق برای خود کسب نماید. ولیکن بمحض آغاز سازش خائنانسه حزب دمکرات با دولت ایران برای کسب قدرت خود (ونه خلق کرد) بعثت - هادست به تحریکات و تشبیهات ارتجایی دیگری در مورد سه جزیره و غیره زدند.

تعمای حرکات مودیانه یعنی ها گواه این حقیقت است که "استعفای مشروط" ایسن عنصری لیدر توطئه ایست که همه مردم و نیروهای آگاه و مبارزان ایران باید بر ملا و خنثی کنند، اگر همه کسانیکه امروز در حرف مخالف مدنی گشته اند راست میگویند یا پدیدار بیای محاکمه بکشند، اگر ترسی ندارند که کثافتکاریهای خودشان نیز بر ملا شود!

درباره سیاست ...

تعجب از ماست. سپس در ادامه طبیعی این منطق ارتجایی میافزاید که آنچه میان دهقانان تقسیم خواهد شد اراضی است معروف به زمینهای

حکومت عراق از انقلاب ایران و تا تاثیرات آن در منطقه سخت هراسناک است. حکومت بعثت که در دوران شاه مخلوع با دولت زاندارمی ایران نرد عشق میبختند، حاکمیت فاسد - شیستی خود را مطمئن می یافتند. و با انقلاب ایران و اوج گیری مبارزه خلق کرد ایران، خلقهای عراق و نیز مردم شیخ نشین های خلیج فارس نیز تحت تاثیر این انقلاب بحرکت درآمدند. وضعیت خطرناکی را بر سر راه رودسته های حاکم در این کشورها به وجود آورد. ادعاهای ارتجایی حکومت بعثتی عراق نیز در پیروایسن حرکات معنی بخود میگردانند تا با تحریک احساسات خلقهای عرب در مسعود خلیج فارس و حاکمیت برجوازی واقع در آن بتوانند تاثیرات انقلاب ایران را بنحوی منحرف کرده و با ایجاد تشنج در منطقه از آن جلوگیری نمایند. در همین مورد دولت ایران

نیز با پیروی از یک سیاست سازشکارانه و التقاطی اسلامی آب به آسیاب کشورهای مرتجع منطقه میریزد. ظاهراً دولت ایران توطئه های بعثت های عراق را محکوم کرده است. ولیکن همین دولت سخت میکوشد که به ارتجاعیون منطقه اطمینان دهد که انقلاب ایران را در چارچوب کشورمان محصور خواهند کرد. به همین منظور صادق طباطبائی را با وساطت رژیم جلاد آسد به کاخ ها و دربارهای ارتجاعیون منطقه میفرستد.

ایران هم اکنون تحت یک محاصره ارتجایی می باشد. تمام کشورهای همجوار ایران یا امپریالیستی اند یا شوکران امپریالیسم. هیچ دل خوشی نیز از انقلاب ایران نداشته و سخت میکوشند با توطئه و تحریک انقلاب ایران را خفه کنند و با حداقل آنرا محدود به مرزهای ایران نمایند. دولت و اکنون شورای انقلاب نمی خواهد و نمیتوانند درک نماید که انقلاب ایران میتواند با گسترش نفوذ معنوی و مادی خود در میان خلقهای منطقه خود را از تحریکات و محاصره ارتجایی امپریالیستی نجات دهد. ولیکن مگر میتوان از دولت که حقوق خلقهای خود را کدمال کرده و بر علیه شان ارتش سرکوبگری گسیل می دارد، چنین انتظاری هم داشت؟

موات! هنوز چند روزی از اعلام این طرح نگذشته است که بیت اله منتظری در نماز جمعه ۱۱ آبان، خطبه دوم نماز خود به مسئله کشاورزی و تقسیم اراضی اختصاص داد و بودرتاقتصادی تقسیم اراضی موات میگوید که کثا - و رزان محترم و عزیز، بی جهت سر زمینها جنگ نکنید (!!!). هر کس زمین را احیا میکند، دیگری حق ندارد مزاحمت بشود و در ضدا اعتبارش برآید. زمین خدا، بیابان را که فردمسلما می احیا کرده، تو (یعنی دهقانان - حقیقت) حق نداری تصرف کنی. اگر زمین با بیرفا شده و کسی احیایش نکرده، تو برو احیا کن. بدین ترتیب ایشان نیز ضمن منع دهقانان از کسب زمینهای زیرکشت و دایر، موافقت روحانیت مشروعه چی و ولایت فقیهی ها را از مضمون طرح تقسیم زمینهای موات (و با باریبه قول ایشان که با توجه به تفاهت های موجود ما بین بیروموات، از لحاظ مضمون یکی هستند و شاید این نظریه تصحیحی شورای انقلاب در طرح فوق باشد) اعلام میدارد.

ولی این اراضی موات چه بقیه در صفحه ۱۴

فرار از ... به نرخ رسمی یعنی ۷۰ ریال به حساب آقای حاج سیدعلی سیاهپوشان برای "ترتیب مرقد حضرت رقیه" در دمشق ارسال داشته اند. ولی معلوم نیست که چرا این پول از بانک ملی نیویورک سر در آورده است؟! اینست کلاه شرعی خروج ارز. و این کلاه شرعی راهم "با اجازه نخست وزیر" انجام داده اند.

حال چند سوال پیش میاید: اولاً این حاجی های پولدار مسلمان که یک قلم ۱/۵ میلیون دلار (بیش از ۱۰ میلیون تومان) برای "ترتیب مرقد حضرت رقیه" خرج میکنند، این همه ثروت را از کجا آورده اند؟ لابد جواب میدهند از راه مشروع! ثانیاً ملتیی که در فقر دست به گریبان است و هر روز دولت ناله افلاس سرداده و دست گدائی بسوی مردم دراز میکند چرا با ۱۰ میلیون میلیون پولها پیش رفته خارج، بهر منظور، فرار کند؟ و ثالثاً چرا این پول سرازیر نیویورک در آورده است؟ اگر همه این سئوالات را سر هم کنیم برای یک انسان منطقی یک جواب بدست میدهد و آنهم اینکه این شیوه نویسی است برای خروج ارزولی تحت لوای اسلامی! در جمعی ری اسلامی هم این شیوه برگزیده ترین آسان است!

# ضجه‌های ناشی از هراس درباره تحریکات حکومت بعث عراق

خیلی ما یلند خود را "خدا میریالیست" و "مدافع انقلاب فلسطین" قلمداد نمایند، همان دارودسته‌ای هستند که در کشور عراق یک حکومت فاشیستی نوع محمدرضا شاهی برآه انداخته، دسته‌دهسته از انقلابیون و مخالفین خود را بی درنگ به پای جوبه اغدام میفرستند. ایان کسانی هستند که هزاران نفر از خلق کرد عراق را به خاک و خون کشیدند و یک‌دوره هم حق ملی برایشان قائل نیستند، کسانی هستند که میاز زمین ایرانی را در زمان شاه مخلوع دستگیر کرده و شکنجه و یا تحویل مقامات ساواک ایران میدادند. ایان همانا هستند که همین دوماه و چندی پیش در نجف و کربلا مدتها تن تظار هرکننده را بر زیر رگبار گلوله‌های روسی خود گرفتند. و حال که رژیم شاه سرنگون شده و زانندارم بزرگ منطقه ارحمنه اخراج شده است، یکبار به مدافع حقوق دموکراتیک و ملی خلقهای ایران شده اند! جوجه فاشیستهای بعثی نمیتوانند هیچ فردی یا عقل سالم را فریب دهند.

ما در زمان تجاوز نظامی عراق به مرزهای ایران نوشتیم که: "رژیم بعث عراق از انقلاب ایران بقیه در صفحه ۱۵

ارتجاع لجام گسیخته بعثی

کارزار دیگری را بر علیه ایران و انقلاب آن برآه انداخته است. هنوز دوسه ماهی از حملات نظامی تجاوز کارانه عراق فاشیستی به مرزهای ایران که منجر به ویرانی چندین روستا و قتل چندین روستائی مرز نشین شد، نمی گذرد که تحریکات و توطئه‌های بعثی‌های عراق بر علیه انقلاب ایران اوج مجددی بگیرد. این بار ادعاهای بوج و ارتجاعی آنان موضوع سه جزیره ونط العرب و نیز سیاست فدتوده‌ای دولت مرکزی ایران نسبت به خلقهای کرد و عرب را در بر میگیرد.

جه شده که فاشیستهای بعثی یکبار به بدنبال تغییرات اساسی در توازن قوا بضررا میریالیسم آمریکا در منطقه، بیاد حقوق لگد مال شده خلقهای ایران و سه جزیره و مفاد قرارداد ای که مضاف خود مدام حسین در آن حک شده افتاده اند. بعثی‌ها که

# درباره سیاست ارضی محافل حاکم کنونی ۴

قانون نظامی ارضی حکومت جمهوری اسلامی (یعنی "قانون واگذاری و احیای اراضی در...") در همین مدت کمتر از یک ماه از تصویب در شورای انقلاب، موجی از مخالفت و مقاومت را بر علیه خود دامن زده است. این مخالفت‌ها و مقاومت‌ها در همین مدت کوتاه بر علیه قانونیکه به قول دهقانان ما "از قانون دوران طاغوت بدتر است" محافل "دولت موقت" و مربوط به آنرا (یعنی نهضت آزادی و بخشهایی از جبهه ملی) به خاطر "حفظ مصالح و منافع ملی" میجویرید. راه طرحی برای حل مسئله ارضی و جلوگیری از رشد بیشتر مبارزه

طبقا تی در روستاها و بالاخره خاموش نمودن آن، نموده است. این راه حل که بویژه بعد از زمین را خیرکشاوری از طرف وزیر کشاورزی اعلام شده است عبارتست از تقسیم اراضی موات میان دهقانان! ایشان در طی مصاحبه‌ای در پاسخ به سؤال مربوط به اینکه نیاز به یک اصلاحات ارضی واقعی احساس میشود یا نه؟ با کامل گستاخی پاسخ میدهد "که اصلاحات ارضی انجام شده (یعنی اصلاحات ارضی شاه - حقیقت) و یگرفتودا الیس در ایران از زمین رفته است (!!!)" (اطلاعات ۲۹، مهر ماه - علامات ارضی و جلوگیری از رشد بیشتر مبارزه بقیه در صفحه ۱۵

# مدنی رسوا شده در پی توطئه چینی است

(به حقیقت، ۲۳ مقاله تیمسار مدنی چگونه بسوی قدرت میخزد "رجوع کنید) حتی روزنامه "انقلاب اسلامی" مدارک انکارنا پذیری در مورد حضور او و اکیهای رژیم شاهنشاهی در دستگاه جناب تیمسار منتشر میکند. بدین ترتیب چهره واقعی "امیدآینده" ایران تر ملامتگرد دولت میفهمند که چه "آینده" امیدبخشی در وجود تیمسار مدنی در انتظارش بوده است.

تیمسار مدنی که سخت تحت حمله بوده اند، در هفته گذشته به یک فحمله، البته ضحمله‌ای توطئه آمیز دست می زنند. توطئه مدنی آشکار است: به آتش کشیدن خوزستان و عشا یروفادار به او. او آشکارا تهدید میکند: "میخواهند خوزستان و نیروی دریایی را به آشوب بکشاند." (اطلاعات، ۱۲ آبان ۱۳۵۸، زمانی بقیه در صفحه ۱۵

میگویند فواره چون بلند شود، سرنگون شود. و داستان تیمسار دریا در مدنی هم از همین گونه است. تیمسار مدنی که همین یکماه پیش در پشت ویترینهای مغازه‌ها به "امیدآینده" ایران "برورد و دیوارها به "رئیس جمهور مدنی" ملقب گشته بودند، ناگهان از اوج عزت به حضیض ذلت کشیده شدند. ولی گویا ایشان هنوز خیال جازدن ندارند و هم چنان در پی توطئه چینی اند.

مدارک گوناگونی در مورد توطئه‌های آقای مدنی در عرض یکماه گذشته روشنند. از کار گرفتن ساواکیهای معلوم الحال تا تشکیل نیروی ویژه استحقاقی مومن به شخص تیمسار تا اعدام‌های فرمایشی رزمندگان در خوزستان، تا ترتیب تظاهراتهای عشا یری بنفع ایشان، تا چاپ و بیخشی وسیع پوستر "رهبر خمینی، رئیس جمهور مدنی" به خرج بیت المال و...

# فرار ارز بشیوه اسلامی

سرمایه داران و جبابا و لگران امروز سعی و کوشش بسیار میکنند تا ثروت‌های خود را به ارزهای معتبر تبدیل کرده و باخارج بفرستند. ایان راه‌های بسیاری را به این منظور استفاده و ابداع کرده اند. اخیرا یک نوع اسلامی اش هم پدیدار گشته است

والبت با اجازت جمهوری اسلامی ایران !! سندی را که کلیشه کرده ایم معرفی این شیوه است. شخصی بنام آقای حاجی قاسم همدانی مبلغ ۱/۵ میلیون دلار (۱۵۵ میلیون ریال) بشیوه در صفحه ۱۵

بسم الله الرحمن الرحیم

بیمه‌نامه شماره: ۱۳۵۴/۷۷/۱۱۱ تاریخ: ۲۰۵۸/۷/۱۱۱

این است بیمه‌نامه بانای غایبه است

شماره برگه: ۵۸۴۷۷۶

تاریخ: ۱۳۵۸/۷/۱۱۱

بیمه‌گذار: بانگلی

بیمه‌شده: بانگلی

محل: تهران

بیمه‌گر: بانک ملی ایران

بیمه‌نامه شماره: ۱۳۵۴/۷۷/۱۱۱ تاریخ: ۲۰۵۸/۷/۱۱۱

این است بیمه‌نامه بانای غایبه است

شماره برگه: ۵۸۴۷۷۶

تاریخ: ۱۳۵۸/۷/۱۱۱

بیمه‌گذار: بانگلی

بیمه‌شده: بانگلی

محل: تهران

بیمه‌گر: بانک ملی ایران